

# خطر کودتا از سوی امپریالیسم هزارچهره

## باقی است

امپریالیسم امریکادار تدارک توطئه تازه‌ای علیه انقلاب ایران است. شکست توطئه اول دوم، امپریالیسم متجاوز و مداخله‌جوی رابرسر عقل نیاورد و از شکست‌های خود عبرت نیاورد. امپریالیسم امریکا بر سر این قول با برجام‌نهادست که از ایران نمی‌تواند صرف نظر کند و ایرانی که امپریالیسم می‌خواهد، ایرانی است همانند ایران دوران طاغوت، وابسته به انحمارات نفت و اسلحه، منبع درآمد‌های نجومی برای امپریالیسم، جهنم مردم ایران و بهشت امپریالیسم غارتگر. و این اذونات امپریالیسم است که تغییر در بر نیست.

برای استحاله ایران انقلابی و آزاد، به ایرانی وابسته و زانده ماشین جنگی جهان‌خواران، گرگ خونخوار امپریالیسم امریکا اگر از در رانده شود، ازبجره بدرون می‌آید، و چون ازبجره به بیرون افتد، از در وارد می‌شود. امپریالیسم هزارچهره گاه پیام و نامه می‌فرستد و گاه فانتوم و بمب. وقتی پیام کارتر درامام و مردم بی‌اندر می‌ماند، فانتوم و هلیکوپتر در بیابان‌های طین بیاده می‌کند، و چون توطئه ناکام می‌ماند، توطئه دوم را تدارک می‌بیند. جهان‌خواران درنده‌ای که می‌خواست به قیمت جان ۱۰ میلیون نفر بیگناه، مترسک خودبختیار را بر اریکه قدرت بنهند، وقتی دستش روی‌شود و نقشه‌اش ناموفق می‌ماند، دست به نامه‌برانی می‌زند و در نامه ۱۸۵ تایینده کنگره، خود را جزو "ملل آزاد" جهان بحساب می‌آورد و "پاسد/صلح جهانی" می‌خواند!

ولی برخلاف نندار امپریالیسم که قصد خواب کردن مردم ما و وارد آوردن ضربنهائی را دارد، این نامه و آن پیام نه تنها مردم را خواب نبرد، بلکه آتش احساسات ضد امریکایی آنها را دامن زد و خشم مردم را برانگیخت. واکس بلافاصله و سخنان امام جمعه تهران، حجت الاسلام خامنه‌ای انقلابی و سخنان امام جمعه تهران، حجت الاسلام خامنه‌ای در خطبه قبل از نماز، منطبق با عکس‌العمل مردم در قبال آن نامه بود. رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در پاسخ به نامه ۱۸۵ عضو کنگره آمریکا گفت:

امریکا دروغ می‌گوید، امریکانجا و گراست. و امام جمعه تهران با کلمات اربخس خود این شیطان هزارچهره را رودر روی مردم گرفت و خطاب به او گفت:

"از یکطرف نامه می‌نویسی و از طرف دیگر ما را برای اجرای توطئه کودتا، از مرزهای کوهستان وارد خاک ما می‌سوزی. کدام باور کنیم؟"

امام جمعه تهران تصریح نمود که از سوی امپریالیسم امریکا توطئه بزرگتری علیه انقلاب مادر سرافکون است. این واقعیت که امپریالیسم با بیگیری تمام در کار انجام می‌نویسد، گداها را باور کنیم؟

در حالیکه اعتراضات دانشجویان ایرانی مقیم ایالات متحده آمریکا علیه سرکوب نظامی ایران آن علیه دسیسه‌های دولت کارتر و یاری ایرانی آن در قبال انقلاب متسکرم ایران ادا شده‌اند، مقامات "امنیتی" آمریکا نیز به فشار خود علیه دانشجویان ایرانی می‌نویسند. بطوریکه خبرگزاری پارس روز شنبه پیش گزارش داد، جیمی کارتر رئیس‌الزور نامه‌های عادی خود، در جلسه‌ای فوق‌العاده با برخی از مقامات بلندپایه به آن کشور، از جمله وزیران دادگستری و خارجه و روسای پلیس و ادارات مهاجرت، بیرون وضع دانشجویان ایرانی در آمریکا به گفتگو نشست. در این میان، مقامات آمریکا تصمیم گرفته‌اند که به بیانه حفظ نظم، با زندان شدن دانشجویان ایرانی را از دانشگاه خارج کنند. گفته می‌شود که پلیس آمریکا ۱۷۲ دانشجوی مبارز ایرانی را با خشونت و اجبار رنجست به پایگاه هوایی آندروز، در نزدیکی واشنگتن منتقل کرده و سپس آنها را با دوهواپیما با بربری به نیویورک فرستاده است. همچنین ۲۰ تن از دختران دانشجوی ایرانی به مقصدی نامعلوم انتقال یافته‌اند. اعتما ب غذای دانشجویان ایرانی به اعتراض علیه وحشیگریهای پلیس واشنگتن شش روز است که ادا شده‌اند. اینک چهل تن دیگر نیز در برابر کاخ سفید به اعتما بیوس پیوسته‌اند.

پلیس آمریکا نظامی‌ها را در دانشجویان ایرانی هوا را انقلاب و هواخواهان آمریکا بی‌خارجی آنها را فدای کرده‌است. یکی از روشنفکران دانشجویان ایرانی از این واقعیت اسرارزناشده که جیمی کارتر از زیکسودمدم ریا - کا رانه نگرانی خود را نسبت به سر نوشت "گروگان‌های" آمریکایی در تهران اسرارزناشده و از سوی دیگر پلیس سبب خود را بجان دانشجویان بیگناه ایرانی می‌اندازد، در حالی که همه گزارش‌ها حاکی از آنست که با جاسوسان آمریکایی در ایران هیچگونه بد رفتاری نمی‌شود.

## دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران هنوز در اشغال اشخاص متفرقه است چرا اعلامیه دادستان کل کشور هنوز عملی نشده است؟

بشدت نگران کننده است، در زمانی ادامه می‌یابد که توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، در مجاری تازه و خطرناکی جریان می‌یابد و ادامه فشار بر فعالیت قانونی و علنی حزب توده ایران، جز به مفهوم ایجاد مانع برای شرکت فعال بگیرد - ترین سازمان سیاسی خصم امپریالیسم آمریکا در بیگانه‌سازی مردم علیه توطئه‌های این شیطان بزرگ نیست و جز به سود امپریالیسم آمریکا تمام نمی‌شود.

وجه دیگر و نگران کننده "تعطل" در اجرای مفساد اعلامیه دادستان کل کشور، زیر سؤال قرار دادن قدرت بقیه در صفحه ۲

### حجت الاسلام خامنه‌ای:

- ای مردم ایران! آمریکا دست بردار از حمایت مزدوران خود نیست.
- من به سپاه ارتش و بسیج ملی، می‌گویم که آمادگی‌های رزمی خود را باید حفظ کنید و مردم نیز باید آمادگی مقابله با دشمن نابکار را داشته باشند.
- ملت ایران بطور قاطع تصمیم دارد که رابطه سنتی میان ظالم و مظلوم را در روابط خود با شما (آمریکا) بر شکم بزنند. ما تصمیم داریم که تسلیم این قدرت آمریکا نشویم.

حجت الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، در خطبه نماز جمعه خویس، بر عزم راسخ مردم ایران به مبارزه با دشمنان و وقایع امپریالیسم آمریکا تا کید کرد و ضرورت مراعات نظم را تصریح نمود. وی از جمله گفت:

"امروز همه مسلمانان همه نقاطی که دارند زیر بار خشم است. استعمارگران لگدمال می‌نهند، جسم انسانها مستندند که تبارزه خود را هر چه بیشتر علیه مستکبران ادا می‌دهند. البته مردم با دیدن اندک انقلابی بودن غیر بی‌نظم بودن است. مردم غیر مسئول فقط با مراجعه به مسئولین کار را انجام دهند. اگر مسئولین نایب هستند، بروید و با ب بودن آنها ربه سر چرخ ملاحظه را بگوئید."

"این هفته، هفته آما دکی مسلمانان جهان برای روز قدس است و برای غرب روز مقابله با مسلمانان است و نمونه‌اش همین سرکوب جوانان مسلمان در آمریکا است. یک عده جوان مسلمان و دانشجویان آمریکا، در مقابل ساوا کپهای فراری که می‌خواستند نظارت هرات کنند، نظارت را راه انداختند و پلیس آمریکا، این دولت طرفدار حقوق بشر و آزادی، مثل شک و حتی بجان دختران و پسران مسلمان افتادند و حدود شصت نفر را سرجوخ ساختند و دو بیست نفر را به زندان انداختند."

"ای اعضای کنگره و ملت آمریکا، شما برای مجلس شورای اسلامی تا به نوشتید و محبت از دوستی و صلح و همکاری، ما حرف شما را نمی‌شنویم. شما به زبان می‌گوئید که قطع روابط دو کشور ضرر ندارد و کشور است، ولی در همین حال عوامل مزدور دست نشاندگان شما از مرزها وارد می‌شوند برای خوابکاری، در همان حال که می‌گوئید آما داید برای همکاری، پلیس شما، جوانان ما را به زندان می‌اندازد."

"پیام من برای دولت آمریکا اینست که ملت ایران بطور قاطع تصمیم دارد که رابطه سنتی میان ظالم و مظلوم را در روابط خود با شما برهم زند. ما تصمیم داریم که تسلیم این قدرت آمریکا نشویم. ملت ما ایستاده است. مجلس شورای اسلامی و سران حکومت ما ایستاده - اند و با دیدن اینستند. شما در ایران کودتا براه انداختید. دیدید که با چه وضعی مواجه شدید و بیستین تن به خاک مالیده شد."

"ای مردم ایران، آمریکا دست بردار از حمایت مزدوران خود نیست من به سپاه ارتش و بسیج ملی می‌گویم که آمادگی‌های رزمی خود را باید حفظ کنید و مردم نیز باید آمادگی مقابله با دشمن نابکار را داشته باشند."

روز از انتشار اعلامیه دادستان کل کشور می‌گذرد و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، دفتر نامه "مردم" و تعدادی از دفاتر حزب توده ایران در شهرستانها هنوز در اشغال اوباشانی است که طبق تصریح این اعلامیه، اقدام آنها، "خلاف مقررات جاری و محل امنیت قضایی و تضعیف ارگان‌های مملکتی، مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم" بوده است. دادستانی کل کشور، که ۱۰ روز پیش طی اعلامیه‌ای صریحا امداد می‌جایمین را "بهاه خوب و زمینه مساعدی ... که ضد انقلاب زیر پوشش آن نیات و افکار و نقشه‌های شوم خود را عملی سازد"، خوانده است، هنوز اقدامی برای استرداد دفاتر حزب ما و بیرون راندن و مجازات مهاجمان قانون شکن، انجام نداده است و بدین سان متأسفانه به دوام "زمینه مساعد" برای تحقق "نیات و افکار و نقشه‌های شوم ضد انقلاب" جسم فروسته است. تعطل در عملی شدن اعلامیه دادستان کل کشور، که

### حمله مسلحانه به پادگان نظامی در تهران

مسلحانه به پادگان نظامی در تهران رویدادی است هشدار دهنده، که در عین حال نمایانگر گسترش فاعلت نیروهای ضد انقلاب و آن گروه‌های مسلحی است که وظیفه فراهم کردن زمینه‌های مساعد و لازم را جهت اجرای این توطئه ایفا می‌کنند.

از سوی دیگر این حمله مسلحانه نشان می‌دهد که گروه‌های ضد انقلاب در اقدامات تخریبی و ضربه وارد کردن به نیروهای انتظامی شان حد جسر و گناخ شده‌اند که آشکارا، با قصد تصرف یک پادگان نظامی در تهران، به عملیات مسلحانه می‌پردازند و این درگیری مسلحانه قریب هفت ساعت ادامه می‌یابد.

حمله مسلحانه به پادگان نظامی در تهران را، با ضد تصرف پادگان، نباید یک عمل ماجراجویانه گروهی متجاسر و بدون ارتباط با مجموعه فعالیت‌های تخریبی نیروهای ضد انقلاب تلقی کرد. چگونه گروهی مسلح به سلاح‌های سنگین و سبک مسلح است در ساختمانی روبروی پادگان نظامی مخفیگاه و در مواقع حمله به پادگان را برای خود تهیه کند، و از همه مهمتر، در ساعت ۱۰ شب به حمله مسلحانه برای تصرف یک پادگان نظامی اقدام کند؟ آیا هدف این گروه از تصرف پادگان نظامی، بدست آوردن اسلحه و مهمات بوده و یا تصرف پادگان و استفاده از آن بهانه سر بل جهت گسترش عملیات مسلحانه به مقیاس وسیعتر، که در هر دو مورد، این برسپاه مطرح می‌شود که: اگر قصد بدست آوردن اسلحه و مهمات پادگان را داشته‌اند، این اسلحه و مهمات را برای چه کسانی می‌خواستند و دستور چنین ماوریتی از جانب چه کسانی به آنها داده شده است، و چنانچه قصد تصرف پادگان را جهت ایجاد سر بل و گسترش عملیات مسلحانه در سطح سهر داشته‌اند، چه عده و گروه‌های دیگری در این عملیات با آنان همدست بوده و در مراحل بعدی حولات مسلحانه و با عملیات تروریستی و تخریبی به آنها می‌پیوسته‌اند؟

در ارتباط با حمله مسلحانه به پادگان نظامی در تهران، این پرسش نیز پیش می‌آید که آیا یک گروه مسلح چند نفری، چنانچه اطلاع دقیق از امکانات دفاعی درون پادگان نداشته باشند و یا احيانا همدستان در پادگان نداشته باشند، چگونه به یک چنین عمل جسورانه‌ای دست می‌زنند؟ تحقیقات از افراد دستگیر شده در این ماجرا، قاعدتا می‌بایست این موارد ابهام را روشن سازد و تمام شبکه و گروه‌های مربوط با این حمله مسلحانه کشف و دستگیر کنند. این انتظار جدی و فوری مردم است.

مطلب دیگری که در این حمله مسلحانه به پادگان نظامی در تهران نمایان شد است، شرکت یک افغانی است، که در جریان تیراندازی زخمی و دستگیر شد و اعتراف می‌کند که قصد حمله، تصرف پادگان نظامی بوده است. این نخستین بار نیست که افراد یا گروه‌های افغانی در این قبیل عملیات و از جمله قاجاق اسلحه و مواد مخدر و سرقت‌های مسلحانه شرکت دارند. اطلاعات امام جمعه مشهد و دستوریست‌ها دفاتر و مراکز جمعیت‌های افغانی در خراسان، از نمودارهای بارز و افشاکر اهمیت این گروه‌ها و جمعیت‌ها و ارتباط آنان با عوامل امریکا و نیروهای ضد انقلاب است.

آیا موقع آن نرسیده‌است که به فعالیت‌های مخرب عناصر و گروه‌های ضد انقلابی افغانی، که زیر لوای اسلحه، نه فقط به مبارزه با جمهوری دیمکراتیک افغانستان، بلکه به توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیز مسؤلفند، پایان داده‌شود؟



دوره: هفتم، سال دوم، شماره ۲۹۹  
دوسه ۱۳ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵ رمال

### حمله مسلحانه به پادگان نظامی در تهران را باید جدی گرفت

سب پنجشنبه ۸ مرداد، از جانب گروهی مسلح به سلاح‌های سنگین و سبک، به یکی از پادگان‌های نظامی تهران، واقع در خیابان ساسان‌ان، نرسیده به چهارراه دولت حمله شد. طبق گزارش مطبوعات، مهاجمان به پادگان نظامی به سلاح‌های تیربار کالیبر ۵۰، ۳۰ و کلاسیک مجهز بودند و از داخل ساختمان روبروی پادگان به بیرون آتش گشودند. پاسداران به کمک افراد کمیته‌ها به مقابله با مهاجمان پرداختند و حمله مهاجمان را خنثی کردند. این درگیری مسلحانه، از ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه روز چهارشنبه تا ساعت ۴/۳۰ دقیقه با مدت روز پنجشنبه ادامه یافت و در جریان آن چند تن زخمی و پنج تن از مهاجمان دستگیر شدند. یکی از مجروح شدگان که افغانی است، در تحقیقات اولیه اعتراف کرد که مهاجمان قصد داشتند این پادگان نظامی را تصرف کنند.

با توجه به اخباری که پس از کشف توطئه کودتا و دستگیری مجربان آن، در مطبوعات و از جانب مقامات رسمی درباره توطئه جدید دیگری انتشار می‌یابد، حمله

### استرداد اموال شاه مخلوع مسئله روز

تخمین ابتدائی اموال از ۱۸/۷ میلیارد دلار تا ۱۰۰ میلیارد دلار  
تنها در یک ماه ۲/۴ میلیارد دلار توسط بنیاد پهلوی به حساب شاه مخلوع ریخته شد.

استرداد اموال شاه مخلوع، که ملک مسلم مردم ایران است و طی سالان دراز توسط خاندان متفورو غارتگر پهلوی دزدیده شده، با برگ شاه مخلوع با دیگر بیک مسئله روز بدل شده است.

درباره میزان این اموال منابع مختلف، اطلاعات کوناگونی می‌دهند. یکی از این منابع، یک وکیل دادگستری سوئیس است به نام دی فن باگر. به طوریکه روزنامه فرانسوی لوموند، در شماره سه شنبه خود، از قول وی می‌نویسد، بروت شاه مخلوع ربه حدود ۱۸/۷ میلیارد دلار تخمین می‌زنند. علاوه شاه مخلوع در سوئیس به ملک دارد: دوقطعه درس موریش و یکی نزدیک زنو، قییم این مستغلات به نوشته لوموند حدود هفت میلیون فرانک سوئیس است. بقیه افراد خانواده فاسد پهلوی نیز جدر سوئیس وجه در ایالات متحده امریکا، انگلستان و اسپانیا، املاک، قصرها و ویلاهای متعدد دارند. به نظر می‌رسد که وکیل مزبور بیست و باره ثروت شاه مخلوع در سوئیس اطلاع دارد.

لوموند می‌نویسد که توسط بنیاد پهلوی سابق، مرتبا مبالغ هنگفتی به حساب شخصی شاه مخلوع و خانواده او به بانک‌های خارجی منتقل می‌شده‌است. مثلا در یک ماه، ما اکتبر سال ۱۹۷۸ - حدود ۲/۴ میلیارد دلار بول به حساب اینبار ریخته شده‌است. علاوه بر خود شاه غارتگر، بحساب فرح ۳۳ میلیون دلار، بحساب اشرف ۶ میلیون دلار، بحساب محمودرضا ۵/۵ میلیون دلار، و همچنین ۱۵ میلیون دلار به حساب سایر پهلوی‌ها در این یک ماه وارد شده‌است.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان متحد شویم!







# برخی مسائل حاد روز

**کسانی که درباره «امکان شکست» انقلاب ایران صحبت می کنند، روحیه ترس و وحشت از خود نشان می دهند.**

**امپریالیسم علیه هر جنبش انقلابی که ضدامپریالیستی باشد، توطئه را ادامه خواهد داد.**

شرح زیر بخشی است از ترس و پاسخ خلسه، یک سیمه ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ که در آن وضع نیروهای کمپوزی در برابر کشته مرکزی حزب توده ایران به سئوالات مربوطه مسائل مبارزه مرحله کوشی انقلاب ایران، پاسخ می دهد.

به علت اهمیت خاص گامی که در این پاسخ موجود دارد، این سخن علاوه بر چاپ آن در گروه پرسش و پاسخ شماره ۱۶، در اینجا بطور جداگانه درج می شود.

س: تراخوان امروز حزب توده ایران چه احساسی دارد؟

ج: دستورحرب این بوده است که ما به طور مثبت در مبارزه علیه ضدانقلاب شرکت کنیم. من می گویم درباره تمام جریان این کودتای نافرجام و اینکه در آینده چه دورنمایی در این زمینه هست و نیروهای انقلابی در برابر آن چه وظایفی دارند، تحلیل می بدهم. اما قبلا می خواهم به مجموع چند سؤال که اینجا مطرح شده و یکی از طرف یکی از هواداران "راه کارگر" است، یکجا جواب کوتاهی بدهم.

رادیوی مظلوم الحالی که خود را "صدای ایران" می نامد در ۲۳/۴/۵۸، پس از شکست کودتا، اعلام می کند که شاپور بخیار، در مصاحبه ای با خانم فلان - خبرنگار یک مجله فرانسوی، به نام ایلوآتوریا زیزل، ایلوآتوریا یک همجی زهرماری، گفتاس که میان "تمام" ایرانیان برضد عماله بهر "اتحاد" وجود دارد. این رادیو ضمن بررسی وضع جناح های مختلف منحل از شاپور بخیار و دفتر سیاسی او اعلام می کند که بختیار آمادگی خود را برای همکاری با تمام نیروهای ملی اعلام کرده است. حالا نگاه کنید که در این "نیروهای ملی" کی عضو هستند؟ دو گروه از این نیروهای ملی را که آقای بخسار حاضر هستند با آنها همکاری بکنند یعنی "کار" و "راه کارگر" را که کنار بگذاریم، این آقا همه آنها را دیگر را به حساب می آورند. ما آماده همکاری با آنها هستند، می گذارند، به نام نیروهای ملی را سوا باصطلاح "دارودسته" خبیبی و احزابی مانند حزب توده. خوب، حالا اگر این درست هوادار "راه کارگر" هنوز نمی داند که سازمانش در کجا قرار گرفته و سیاست سازمانش سیاستی است که بختیار نه فقط کوچکتر ترسی آن ندارد، بلکه آماده همکاری با آن هم هست و از طرف دیگر سیاستی که امپریالیسم آمریکا، بختیارها و اوپوسی ها آنرا به عنوان دشمن اساسی خود تلقی می کنند، همان سیاست "ایورتونیستی" حزب توده ایران است. پس از شنیدن این مطلب، باید به خود خورده به فکر فرو رود. همین موضوع به تنهایی کافی است برای اینکه این مارکسیستهای "انقلابی طراز فوق نوین" را کمی به فکر وادارد. محتوای تبلیغات رادیوی "صدای ایران"، تبلیغات رادیوی صدای آمریکا، تبلیغات تمام محافل ضدانقلاب، باید شما جوان عزیز، شماره های کمی به فکر وادارد.

نقشه دقیق ضدانقلاب در همین کودتا عبارت بود از نابود کردن سریع و بدون محاکمه رهبران مبارز مذهبی، روحانیت مبارز و... رهبران حزب توده ایران. در این موضوع تردیدی نیست. ضمنا ضدانقلاب امیدوار است که با گروه های معینی کنار بیاید تا این گروهها با آن مساوات کنند. چگونگی برخورد به این جریان نشان دهنده سیاستهای واقعی نیروهای است که در ایران هستند.

و اما جریان خود کودتا: دوستان ما که نامه "مردم" را با تمام هشداریات هایش مطالعه کرده اند، می دانند که ما از بیش از حدانه "کودتای طیس با پیگیری خیلی، خیلی جدی، مسئله تدارک یک سری ضربه ارتجاعی از طرف امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب را که در خارج ایران و در داخل ایران انجام می گیرد، دست سرحم تذکر داده ایم. ولی با کمال تاسف، در دوران اولیه، مقاماتی در رهبری جمهوری تذکرات را از خیلی جدی نمی گرفتند. حتی در روزنامه هایی مثل روزنامه "جمهوری اسلامی"، مثل روزنامه "انقلاب اسلامی" به ما خرده گرفتند که گویا ما اینجا داریم یک جو ناراحتی ایجاد می کنیم و این خطرناک وجود ندارد! وقتی ما خطر اقداماتی را که ضدانقلاب قصد داشت در خوزستان و کردستان انجام دهد (همان اقداماتی که ذوقه بعد با بمب گذاریا در آنجا شروع شد)، تذکر دادیم، تذکر دادیم، به ما تهمت زدند که گویا ما داریم تحریک می کنیم!

اما صحت ارزیابی های ما درباره اوضاع ثابت شد. من به دوستانی که نسبت به مسائل سیاسی روز و موضعگیری حزب توده ایران درباره آنها، علاقمند هستند، پیشنهاد می کنم که یکی از شماره های آینده "پرسش و پاسخ" را که مربوط است به جلسه روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۹ حتما بخوانند. آنجا ما درباره توطئه هایی که در پیش است، صحبت کرده ایم. در آن بحث که توارش موجود است و کسی نمی تواند زیرش بزند، تا لوی دقیقی آنرا آنچه که الان انجام گرفته، داده شده است. رفق باخواندن آن در ارتباط با وقایعی که بعد اتفاق افتاده است، خواهند دید که همدارهای ما چه اندازه بجا و دقیق بوده است!

به این ترتیب ما از تدارک کودتا در سطوح مختلف آن، در خارج و داخل ایران، اطلاعات دقیقی داشتیم و اینها را به موقع در اختیار مقامات گذاشتیم. در دوران اخیر نیز سفاکتهای دقیق دیگری پیدا شد و اطلاعات دیگری هم به مقامات رسید که تأیید کننده تمام اطلاعاتی است که از طرف حزب ما داده شده است. در نتیجه این همکاری توانستند توطئه را در این مرحله سرکوب کنند و در هم بشکنند. این یک

موفقیت بزرگ و تاریخی برای انقلاب ایران است. موفقیت بسیار مهمی است. از این جهت مهم است که اولاً شکست این توطئه خطر بزرگی را در یک لحظه بسازد و خطرناک از انقلاب ایران دور کرد.

نکته دوم که به نظر ما اهمیتش از اولی بیستراست، درس های بسیار آموزنده ای است که از این توطئه در مورد چگونگی ارزیابی قبلی نیروهای مختلف انقلاب در ایران درباره دوستان و دشمنان انقلاب بدست آمده است. این حوادث درباره چگونگی ارزیابی دوستان واقعی انقلاب ایران در داخل کشور و در صحنه جهانی درس های آموزنده ای داده است. امیدواریم که این درسها کمکی باشد برای روشن شدن ذهن ساداری از مسئولین و کسانی که بیندازوی های بکلی نادرست دارند و کارشان واقعا دیگر به لجناری کشیده است، امیدواریم این درسها آنها هم کمی سلاق بزند و نشان دهد که تاکنون دچار چه اشتباه بزرگی بوده اند. در مقاله شماره جاری مجله "دنیا" (شماره ۴ سال ۱۳۵۹) نوباره در همین رابطه تحلیل هایی انجام گرفته است. البته این مقاله قبل از این کودتا نوشته شده، ولی در ارتباط با مجموعه مسائل سیاسی کنونی ایران، کوشش سده است ارزیابی های نادرستی که بر اساس این بیندازوی ها یا شناخت نادرست، در میان برخی از نیروهای انقلابی ایران وجود دارد، تسریح سود و بیابندهای دردناک و خطرناک آن گوشزد کرد. این حادیه کودتا صحت بسیاری از تئوریهایی را که ما یادآوری کرده ایم، تأیید کرده است. کودتا قرار بود در این مراحل انجام گیرد: اول کودتای طیس، در کودتای طیس قرار بود نیروهای آمریکایی پس از پیاده شدن در طیس، به نزدیکی تهران منتقل شوند و خود را به لانه جاسوسی می گویند. ما الان می بینیم که شبکه ضدانقلاب چه اندازه وسیع است. در مرحله دوم قرار بود کلیه ساواکیها و افسران بازنشسته و افسرانی که در واحدهای ارتش و ژاندارمری و پلیس هستند، وارد عمل بشوند و گروههایی از آنها بانقشه معین به مناطق معینی حمله بکنند. اولین هدف آنها عبارت بود از منزل امام برای از بین بردن خود امام و نزدیکانش و سپس کشتار رهبران مذهبی، روحانیت مبارز و رهبران حزب توده ایران که سازگرمشان را شناسایی کرده بودند، این مدارک چون در همان تاریخ تنظیم و تسلیم شده است، حالا دیگر نمی توانند به ما بگویند که شما امروز پس از وقوع واقعه اینطور می گویند. بعد قرار بود که این گروهها و گروههای دیگر به موازات گسترش حملات نظامی خود، به سراغ تمام پاسداران و کمیته ها بروند و آنها را با گازهای سمیایی خواب و بکنند و پس از موفقیت در این عملیات، گروههای معینی از آنها به رادیو تلویزیون حمله کنند و آنجا در اختیار بگیرند و حکومت کودتایی اعلام کنند. نقشه این عملیات برای تهران و برای شهرهای مهم کشور کسده سده بود و قرار بود برای شنبه سب پس از آنکه تمام پاسداران و داسجویان مسلمان بیروخ امام مستقر در لانه جاسوسی را با گاز سمیایی خواب کنند و گروهها را آزاد کنند، عملیات خود را بطور ادامه دار گسترش دهند. این بود نقشه کودتای طیس، این نقشه البته به هم خورد، ولی فقط یک قسمتش که تجاوز نظامی آمریکا در طیس بود، با عدم موفقیت روبرو شد. آنها ضمنا می خواستند یک "دستبرد تاریخی" هم رده باشند و گروهها را هم در جریان کودتا آزاد کنند. ولی مسئله گروهها بهیچ وجه مسئله اصلی نبود. آنها این احتمال را می دادند که در این جریان نه فقط گروهها، بلکه تمام افراد نظامی که پیاده کرده بودند، از بین بروند. مسئله اساسی برای آنها همان نقشه کودتا برای برانداختن رژیم بود. ما فردای همان روز، ضمن اعلامیه ای که در نامه "مردم" انتشار یافت صریحا نوشتیم که هدف جریان طیس بهیچ وجه زدن یک ضربه برای آزاد کردن گروهها نبود، بلکه کودتا بود. همانطور که الان به شما گفتیم ما از این نقشه، پیش از وقوع حادثه اطلاع داشتیم و آنرا به اطلاع رساندیم و چون می خواستیم افرادی که در این توطئه شرکت دارند گرفتار شوند، از انتشار پیش از موقع آن خودداری کردیم. متأسفانه در نتیجه اشتباهی که رخ داده و بی احتیاطی هایی که شده، بخش مهمی از عناصری که در این توطئه شرکت داشتند، توانستند فرار بکنند. جای خیلی تاسف است که در آن مرحله ضربه لازم به ضدانقلاب وارد نیامد و امکان داده شد که ضدانقلاب خودش را برای ضربه دوم آماده کند.

مرحله اول نقشه این ضربه دوم عبارت بود از یک حمله به فرودگاه تهران. قرار بود اول به فرودگاه حمله کنند و همزمان با آن یک گروه ۲۵۰ نفری به سراغ رادیو بروند. فرودگاه را می خواستند با افرادی که در آنجا داشتند بگیرند و سپس طیاره ها بلند شوند و همین نقشه بسماران منزل امام خمینی را عملی کنند و مراکز حساس دیگری را که فکری کردند مقاومت بکنند از بین ببرند. به موازات این عملیات می بایست تمام نیروهای مسلح سازمان یافته ضدانقلابی یعنی ساواکیها و افسران و غیره در تهران شروع کنند به نابودی کمیته های پاسداران و مراکز پاسداران، با استفاده از انواع سلاحها و وسایل نظامی فوق العاده مدرن نوع آمریکایی که حتی بعضی ها آن در ارتش ایران هم، شاید نباشد، یا باشد، ما اطلاع نداریم، ولی به احتمال قوی نباید باشد، از جمله نوارکن های معینی که

افراد را سب کور و بکلی فلج می کند و گازهایی که خواب آور هست یعنی نیروهای مخالف را برای ۲۴ ساعت بکلی فلج می کند. با استفاده از این سلاحها می خواستند نقشه کودتا را پیاده کنند. البته همانطور که در گفته های آقای ری شهری ذکر شده است، برنامه آنها این بود که با نابودی میلیونها نفر کودتا را بیروز کنند. میلیونها نفر از مردم ایران را نابود کنند! این عراق نیست رفقا! این نقشه واقعی ضدانقلاب در ایران بوده است، یعنی آنها حاضر بودند نه اینکه یک میلیون، بلکه میلیونها نفر را، اگر مقاومت شود، از بین ببرند تا کودتا بیروز شود.

این است چهره واقعی امپریالیسم آمریکا که برخی از رهبران سازشکار و تسلیم طلب، یک سال و نیم تمام کوشش کرده اند آنرا بپوشانند. امیدواریم جزئیات این کودتا و نتایجی را که از تحقیقات و از گفته ها بدست خواهد آمد، بطور کامل منتشر بکنند تا مردم ایران این چهره واقعی ضدانقلاب را ببینند و از تئوریهایی که برای تکرار ماجرای اندونزی و شیلی در ایران انجام گرفته و از خوابی که آمریکا برای ایران و افغانستان دیده، آگاه شوند و با چشم و گوش و پوست خود احساس کنند که هنوز چه خطرانی آنها را تهدید می کند. این اهمیت فوق العاده زیاد دارد و خواستاریم و با پیگیری اصرار خواهیم کرد که نتیجه تمام تحقیقاتی که از این جنایتکاران انجام می گیرد در دسترس افکار عمومی مردم ایران و جهان قرار داده شود. چه تبلیغاتی بهتر از این برای افشا کردن چهره کره امپریالیسم آمریکا و هوادارانش: چه آن قیافه های متعدد انگلیسی و فرانسوی و آلمان غربی که در این توطئه می بینند و چه آن دوستان آقای قطب زاده در پاکستان و ترکیه که شریک این توطئه بودند و قصد داشتند از آنجا با طیاره های خود نیروهای ارتجاعی ضدانقلابی را وارد ایران کنند. همه اینها را باید به اطلاع مردم ایران و جهان برسانند. نتیجه این محاکمات می تواند یک دادگاه تاریخی علیه امپریالیسم آمریکا باشد، زیرا متأسفانه در شیلی و در اندونزی ارتجاع موفق شد خودش را تثبیت کند و گذاشت واقفیت آن جنایات آنطور که لازم هست در خارج انعکاس پیدا کند. ولی حالا یک موقعیت تاریخی برای تمام جنبش آزادی بخش ضد امپریالیستی جهان پیدا شده تا چهره واقعی امپریالیسم و نقشه های آن برای نابود کردن یک ملت و تحکیم مواضع غارتگرانه خودی، کشیده است، به تمام جهان نشان داده شود. امیدواریم که نشان دادن این جریان مثل آن جریانی نشود که با دعوت از سازمانهای شرقی جهان برای افشای چهره امپریالیسم آمریکا انجام گرفت و عوامل آمریکا نظیر امپریالیسم ها و انواع سازشکاران کوشیدند تا اثر آنرا کم کنند و آقای قطب زاده هم بازی باکستان را راه ندادند یعنی در همان روزها آقا شاهی را آورد اینجا و جلسه کردند. امیدواریم این بار دیگر تکرار این جریان اجازه داده نشود و واقفیت این توطئه همانطور که هست به اطلاع افکار عمومی ایران و جهان رسانده شود.

حالا این سؤال مطرح می شود که آیا توطئه تمام شده است؟ به نظر ما، همدارهای امروز شمار نامه "مردم" خواندید، فقط یک بانگ تبلیغاتی نیست، این همداری است برای اینکه مردم را واقعا آماده بکنند برای یک مقابله با خطر احتمالی. به نظر ما خطر بطور جدی وجود دارد. در خبرهایی که امروز رسیده، از قول بختیار گفته شده است که "انقلاب" (مشاور کودتایی) متأسفانه تا شکست روبرو شد. رادیوی صدای آمریکا صبح امروز ۲۶ تیر اعلام کرد که شاپور بختیار نخست وزیر سابق ایران اظهار امیدواری کرده است که "قیام" آینده ایرانیان به صورتی گسترده تر و منظم تر با شدت بیشتر صورت گیرد. خوب این نشان دهنده دو چیز است:

یکی این که امپریالیسم آمریکا و تمام دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم در غرب خیلی کوشش می کند حادثه ای را که روی داده کوچک جلوه دهند. آنها در داخل به شبکه ضدانقلاب در تهران دستور داده اند تا شایع کنند که اصلا کودتایی در میان نبوده است، همه اینها اصلا دروغ بوده و این فقط سرگرد و ترفندی است برای اینکه عده ای را که ناراحت بودند، توفیق بکنند، همه را در دست بختیار رانند و تبلیغ میکنند. حتی در تاکسی ها، طاغوتی ها و ساواکی ها، به طور منظم این جور تبلیغ می کنند. ولی خوب، گفت هر کس شادان، صاحب کار یعنی خود امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب می داند که چه ضربه ای بهش وارد آمده و چه نیروی ضربتی بزرگی از دستش در رفته. و ما امیدواریم که با حاکمه سرینی که امروز شروع شده، و با مجازات این خیانت کاران، با سرعت و قاطعیت هر چه بیشتری انجام بگیرد. اینست آنچه که ما درباره آینده انقلاب، آینده این کودتا می توانیم اظهار کنیم. یعنی توطئه ادامه دارد، امپریالیسم آمریکا از ایران دست بردار نیست. این توطئه

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی

**انقلاب ایران هنوز امکانات فراوان دارد و هنوز بالقوه فوق العاده نیر و مند است.**

می تواند، اگر ما خوابان ببرد برای پیشگیری آن نباشیم، مثل فاصله ۲۵-۲۸ مرداد، در یک فاصله کوتاه بایک ضربه جدید دنبال شود، و می تواند در طولانی تری هم تکرار شود: چند ماه دیگر، یک ماه، سه ماه، سس ماه دیگر با همانطور که امام گفته، ممکن است پنجاه سال دیگر هم امپریالیسم دورتر به این توطئه را بدهد.

امپریالیسم علیه هر جنبش انقلابی که ضدامپریالیست باشد، توطئه را ادامه خواهد داد، ما می بینیم که امپریالیسم آمریکا در تمام جبهه جهانی، مشغول است و تجاوز است. به یونینام غیر مستقیم و مستقیم حمله می کند کامیون از طریق نوکران خود در تایلند حمله می کند هندوستان (در ایالت آسام) چینی ها- متحد امر، آمریکا- حمله و تحریک می کنند، در افغانستان از طریق از اسلام نظامیان، تحریک می کنند، کنسار می کنند و می کنند. در ایران علیه انقلاب توطئه و تحریک می کند آفریقا علیه اتیوپی تحریک می کنند، علیه آنگولا می کنند و اخیرا در آنجا هم به تجاوز دست زده اند. موازینیک به تجاوز دست زده اند. علیه ما میبندند. ما می بینند، در آمریکا جنوبی علیه کوبا برای تجاوز می بینند، در کشورهای آمریکای جنوبی، هر جا که کپی می برد، آمریکا در تمام جبهه مشغول تجاوز است بر ضعف خودش را می بیند، برای اینکه می بیند، روز بایگه هایش دارد از دستش می رود، روز بروز محیط غا محیط تاثیر سیاسی و نظامی محدودتر و تنگتر خلقی می دربی از زیر چنگ امپریالیسم آمریکا بیرون. و این امپریالیسم دیوانه تر می شود و بیشتر دست می زند. دشمنی امپریالیسم آمریکا با انقلاب ایران، که ما بارها گفته ایم، به ویژه بسیار شدید است. بر موفقیت انقلاب ایران تنها، این نبوده که یکی از این اساسی امپریالیسم جهانی را در کشوری مثل ایران عظیم نفت از بین بزند، تنها این نبوده که یکی از مهم استراتژیک نظامش را علیه اتحاد شوروی و تمام سوسیالیسم منحل کرده است، بلکه این انقلاب سر رابد لرزه در آورده و در مجموعه جنبش جهان، امپریالیستی تا نبرع عمیق بخشیده است. اینست که آمریکا با انقلاب ایران نبر مانند انقلاب ویتنام. کین توری عجیبی دارد و میان جنبش هرگز حاضر به داوطلبانه نخواهد بود. امپریالیسم آمریکا تمام نبر خودش را به ارانداخته برای اینکه انقلاب ایران را روبرو کند. خوب در اینجا ما می بینیم که امپریالیسم نیروهای ذخیره قابل توجهی هم در داخل ایران د می کند، تنها ساواکی ها نیستند که برای حمله به ضربه اولیه آماده بودند و هنوز طلع وقع نشده ذخیره در عین حال آن نیروهای هستند که در دست کار را فلج می کنند، این ذخیره عوامل امپریالیسم هم هستند که برای حفظ سرمایه داری، می گویند تیزی انقلاب را کند کنند و نگذارند گسترش یابد، این ذخیره - سازشکاران و تسلیم هستند که تمام امیدو آرزویشان را بسته اند به این آنها کمک کند، غرب زده ها هم هستند که حالا همکاری با آمریکا غیر ممکن شده، می گویند از غریبی، از راه شرکت های فرانسوی و انگلیسی و مناسبات دوباره با آمریکا را برقرار کنند. همه جبهه ضد امپریالیستی، ضد امریکایی را در ایران می کنند، ذخیره امپریالیسم و ارتجاع ایران اینها گذشته عناصر نادانی وجود دارند که چه جنبش و چه باقیات - راست افراطی، خطر عظیم را درک نمی کنند و هنوز تصور می کنند (مثل روز اقلیت و گروه بیکار و زمینداران و زمینداران) که ساده است و گویا ارتجاع را بر این تسلط شده و چند آمده اند و اینها را گرفته اند و مبارزه اصلی این اینها را ریشه کن کنیم و جای آنها، به قول انقلاب سرخ را برقرار کنیم، این کوه نظران به که انقلاب ایران را در مرحله کنونی تهدید نمی برند. ولی حزب ما سیاست خودش را با درک خطر تنظیم کرده و تنظیم می کند. هم همدار

فرخوان امروز عبارت است از ارزیابی دقیق علمی خطری که الان در مقابل ما قرار دارد و وظایفی که وجود دارد. وظیفه ما الان این است که از یک ذ نیرو کوشش کنیم چگونگی واقفیت این توطئه را در به میان مردم ببریم و اگر ضعفهایی در تشریح توطئه در تبلیغات دولت و مقامات حاکمه هست (که ف عوامل و ذخیره ضد انقلاب و امپریالیسم در این می تواند تاثیر داشته باشد)، ما جریان آنرا با برای مردم تشریح کنیم و همه جا، نشان بدهیم که چه هدفهایی داشته، برای چه بوده، یک ماه توطئه چه جریاناتی در ایران می گذشده است و چه سیاسی این توطئه در داخل ایجاد کرده اند. و همه دارند ایجاد می کنند.

س: به تظاهر کشادن دهکده ها به وسیله گرو چهارشنبه یعنی درس یک روز پیش از صبح به کودتا احام گرفت، آیا حشری از این سوط

ج: به نظر ما بسیاری از حوادثی که در یک بگویم حتی قتل از طیس در ایران اتفاق افتاده ما دور بین این توطئه مورد بررسی قرار بگیرد یعنی روی دور بین های خودمان به قول معروف قبلیت



# «کنشت» با اعلام بیت المقدس به عنوان «پایتخت اسرائیل» گامی دیگر در راه تجاوز به حقوق حقه خلق فلسطین بر میدارد

سازمان ملل متحد، حکمرانان صهیونیست اسرائیل قانونی رابه تصویب پارلمان آن کشور رسانیده‌اند، که به موجب آن، بیت المقدس (اورشلیم) بعنوان «پایتخت جاودانی» و تقسیم نابذیر اسرائیل اعلام خواهد شد.

در اورشلیم (به عربی - القدس، به عبری - یروشالیم) بسیاری از اماکن مقدس و تاریخی اسلام، یهودیت و مسیحیت متمرکز یافته‌است. منتهای دعاوی صهیونیست‌ها نسبت به اورشلیم آن است که، حضرت داود در حدود هزار سال پیش از میلاد مسیح، این دیار را تسخیر کرد و آن را پایتخت امپراتوری خویش ساخت. آنها در این زمینه همچنین به بازمانده‌های «دیوار نندیه» اشاره می‌کنند، که گویا حضرت سلیمان در حدود ۹۵۰ سال قبل از میلاد مسیح، در اورشلیم بی‌ساخت. اما واقعیت آن است که، اسلاف اعراب امروزی، حتی پیش از تسخیر اورشلیم از سوی حضرت داود و پس از فریب‌های سرزمین کین اسرائیل، در آن دیار سکونت داشتند. فرزند برادر اعراب، سس از ویرانگری رومی‌ها در سال ۷۰ قبل از میلاد، به آباد سازی اورشلیم پرداختند و از آن پس در آنجا سکونت گزیدند.

قطعه‌نامه (۱۳۲۶) توصیه کرد که، فلسطین به دو بخش بچودی و عربی تقسیم گردد و اورشلیم موقع بین‌المللی باید. ولی ارتش اسرائیل، در جنگ ۲۸-۱۳۲۷ فلسطین، قسمتهای غربی و جنوبی سپه‌رابطان خود درآورد. بخش‌های خاوری و شمالی در تاریخ ۴ فروردین ۱۳۲۹ به‌مصاحب اردن درآمد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه (۴) ۳۰۲ خود (۱۸ آذر ۱۳۲۸) تاکید کرد، که «شهر اورشلیم باید بعنوان بخشی مستقل زیر نظرارت رژیم بین‌المللی خاص قرار گیرد و از سوی سازمان ملل اداره شود». اسرائیلی‌ها در واکنش سریع و آسکار علیه این قطعنامه، در روز ۲۶ آذر ۱۳۲۸ مقرکست ودولت رابه اورشلیم انتقال دادند و بخشی از این شهر را برای نخستین بار بعنوان پایتخت اسرائیل اعلام کردند.

ارتش اسرائیل در جریان جنگ تجاوزکارانه خود علیه اعراب، که در روز ۱۵ مرداد ۱۳۴۴ آغاز شد، علاوه بر کرانه باختری رود اردن، بخش خاوری اورشلیم را نیز تصرف نمود. در اردن، پارلمان اسرائیل در روز ۶ مرداد سال جاری قانونی تصویب کرد، که بموجب آن، بخش خاوری اورشلیم جزو «حاکم اسرائیل» درآید. «قانونی» که روز چهارشنبه گذشته به تصویب پارلمان اسرائیل رسید، تمام اورشلیم را بعنوان «پایتخت جاودانی و تقسیم‌ناپذیر» اسرائیل اعلام کرد.

هنوز چند ساعتی از قطعنامه «اجلاس» ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد گذشته، پارلمان اسرائیل (کنست)، قانونی را تصویب کرد، که به موجب آن تمام بیت المقدس (اورشلیم) بعنوان «پایتخت جاودانی و تقسیم‌ناپذیر» آن کشور اعلام می‌گردد.

این اقدام دولت صهیونیستی راتنها بهانه‌ها، دهن کجی گساخته به افکار عمومی جهان و گامی دیگر در راه نقض فاحش همه قطعنامه‌های سازمان ملل متحد ارزیابی می‌توان کرد. یادآور می‌شویم، که آخرین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره فلسطین، که با رای موافق صد و دوازده کشور جهان، از جمله کشورهای سوسیالیستی و علیرغم مخالفت آمریکا، اسرائیل و پنج کشور دیگر رای متعین کشورهای امپریالیستی اروپای غربی عضو «جامعه» اروپا» به تصویب رسید، اسرائیل و متحدان آنرا فرخواند تا همه حقوق حقه فلسطینی‌ها، از جمله حق بازگشت به سرزمین‌های اشغالی، تعیین سرنویست خویش و تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی رابه رسمیت نشناسند. اکثریت نام اعضای سازمان ملل متحد خواستارند که اسرائیل خود را از سرزمین‌های اشغالی عرب آغاز کند.

نکته نیست که بنسبتانی امپریالیسم آمریکا و متحدان آن و نقش عناصر خیانت‌کاری چون سادات و شرکا، در تسویق دولت صهیونیستی بکن به تخریب تجاوز آسکار به حقوق فلسطین و نادیده انگاری و تاحق‌آمیز افکار عمومی جهان، اهمیتی بسزایی کرده‌است.

جلسه «بوق الماده» سوای آمینب، که قرار است روز دوشنبه ۱۲ مرداد بدرخواست گروهی از کشورهای اسلامی در نیویورک برگزار شود و به بررسی «قانون» انصاف تمام بیت المقدس با اسرائیل و اعلام آن بعنوان پایتخت دولت صهیونیستی برآید، بار دیگر به نیت خواهد کرد که صهیونیست‌های اسرائیل و بنسبتانیان امپریالیستی آنها، بویژه دولت کازرت، ناحه اندازه به خاطر سیاست تجاوزکارانه خویش در جهان‌های سفرد شده‌اند. فلسطینی‌ها بار دیگر خواهند دید که دوستان و دشمنان آنها در صحنه سیاست بین‌المللی کاندازند؟

انظار می‌رود که سازمان ملل متحد، این بار نیز «قانون» منتهی بر اعلام بیت المقدس (اورشلیم) را به عنوان «پایتخت» اسرائیل، مانند همه تصمیمات تک‌جانبه و خودسرانه دولت اسرائیل با کون، «عمراموسی» اعلام دارد و آنرا بعنوان تجاوزی دیگر به حقوق حقه فلسطین محکوم سازد.

علیرغم اعتراض کسرده، حجتاسان و سوای آمینب

## احترام به قانون اساسی؟!!

وجود پیدا کند. طبیعی است در این رهگذر مثل هر انقلاب دیگری، خاسی‌ها و بدعتی‌ها را بی‌شاختی‌ها، فساد و مری از تفاهم و اخوت را در جامعه انقلابی ما تیره ساختی و تجربه‌های بسیار تلخ و خونبار، حساب و کتابی به میان آمد تا حد و حدود فعالیت احزاب، سازمانها و گروهها، معین شود و در مسیر تکاملی انقلاب داورهای شتابنده و خام به سبیری نظمی هدایت شد تا آن گروه و حزب و جمعیتی که قصد توطئه علیه انقلاب را ندارد، حرضش را بزند و برنامه‌اش را ارائه کند و قانون اساسی جمهوری اسلامی به تصویب مجلس خبرگان و تأیید امام و امت، حدود خود را مشخص ساخت. گو اینکه گروهکهای بسیاری با ایدئولوژیهای رنگارنگ از طریق عملکردهای مفرضانه، تشنج و دردم ریختنی سیاسی را دامن زدند.

اما انقلاب اسلامی ما که ثمره خون هزاران شهید است و پیوندی ناگسستی با خلق دارد به حرکات کودتاکانه گروهکها، ولو اینکه آلت دست نیروهای افرینشی خارجی واقع شده بودند، انجانان بها نداد که یکسره فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و سازمانهای سیاسی را ممنوع کند. و بازار تبلیغات ضدانقلاب را پر رونق سازد. اما درآورد است که در آستانه رسمیت یافتن مجلس شورای اسلامی و تعیین نخست وزیر و هیات دولت جمهوری اسلامی، یکباره حوادثی اتفاق افتاد که از آن بوی اختناق به مشام برسد. گروهکهای زیر پوشش والاترین و مقدس‌ترین نهادها، فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و سازمانهای سیاسی هجوم بردند و کابرفروشی‌ها را به تخریب بکشاند. این اعمال هرچه که باشد و با هرینتی، جز در خدمت دشمن و تضعیف انقلاب نمی‌تواند باشد. اگر قرار است فعالیت حزب، جمعیت یا یک سازمان سیاسی بر حسب ضرورت، مورد بازبینی قرار گیرد، بسنگی دارد و به خطمشی و عملکرد آن در رابطه با انقلاب اسلامی ایران و اگر ورای اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، ضرورتی پیش بیاید که درباره فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و سازمانهای سیاسی تجدید نظر صورت گیرد.

این وظیفه مقامات مسئول ملکتی و در درجه اول قوه مقننه است که تصمیم گیری کنند. نه دستجاتی که خودسرانه عمل کنند و جو سیاسی ملکت را آشفته سازند. طبیعی است بر حسب پیش آمدن چنان ضرورتی، باید دلایل مجاز و یا غیر منطبق بر موانع فعالیت یک جمعیت سیاسی، اصولی و منطقی و پای اعتبار و حیثیت جمهوری اسلامی ما در میان است. بهوش باشیم که ضد انقلاب در داخل و خارج کشور، برای یافتن دستاویز کمین کرده‌است. بهوش باشیم که توطئه‌های ضد انقلاب فقط شکل نظامی ندارد ای بسا دستهای ناپاکی زیر پوشش مقنن ترین شمارها، این دستاویز را برای دشمن مهیا کنند. در موقعیت حساس کنونی انقلابی صبورتر و با استقامت‌تر از همیشه، لحظه‌ها را در دریاییم و با اتحاد و یکپارگی خود امکان هرچه سریعتر، استقرار قانون اساسی جمهوری اسلامی را مهیا سازیم. تا دشمنان انقلاب ما بخصوص امپریالیسم آمریکا و یابانی‌اش، نتوانند با دامن زدن تشنج و ایجاد هرج و مرج، راه را برای اجرای مقاصد پلید خود هموار سازند.

احمد - ع  
نقل از (اطلاعات، بهمن‌ماه ۱۳۶۹، شماره ۱۰)

طی دو هفته اخیر حملات ناگهانی به دفاتر احزاب و جمعیت‌های سیاسی و روزنامه‌ها و اشغال این مراکز، سیمای ناخوشایندی از روابط درونی جامعه ما در معرض دید جهانیان گذاشت و مائش‌های تبلیغاتی امپریالیسم جهانی برای تداوم سیمایش‌های خود علیه انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهایش به خرابکاری پرمایه‌ای دست یافتند. اگر بخوایم این هجوم سازمانها و گروهها را «تخریب» برآییم تا حدی باور نکرده‌ایم است، چرا که مردم مسلمان و مبارز ایران را با آن شکوه و نظم آفسانه‌ای که در فرو پاشیدن نظام مغرور شاهنشاهی از خود نشان داد - صبورتر و منطقی‌تر از این میبایم که تابع احساسات خرد گردد و شعله‌های خشم اورتور تبلیغات دشمن را داغ کند نه آنکه، باری از روی دوش انقلاب بردارد و انگبگی این ملت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رای مثبت داده‌است و به محتوای آن عمیقاً معتقد و وفادار است چرا که قانون اساسی با تصویب مجلس خبرگان و مهر تأیید امام و امت اعتبار یافته‌است و به هیچ دلیلی نمی‌توان این اعتبار را شکست.

اصل بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحت دارد، تقنینی عقاید متعصب است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد. و اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های علمی و سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادانه مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موانع اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچکس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت دیگری از آنها مجبور ساخت» وقتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با این صراحت‌ها و به پشتوانه عدل جهان کسرت اسلامی آزادی احزاب و جمعیت‌های سیاسی را محترم شمرده و تقنینی عقاید را ممنوع دانسته‌است، طبیعی است که باید در هر حرکت غیرقانونی، نظیر آنچه در دو هفته اخیر رخ داده‌است، شک کنیم و هر حرکت دیگری در ماههای اخیر که بصورت حمله به اجتماعات سیاسی، کابرفروشی‌ها، با تانوی بی حجاب به منصفه ظهور رسیده‌است، بویژه که این اعمال پیش از آنکه حاصلی برای انقلاب داشته باشد، دستاویزی برای ضدانقلاب شده‌است که فریاد و اختناق بردهد و در سوک آزادیهای از کف رفته در جمهوری اسلامی ایران، پنهان براندازد.

از یاد برده‌ایم که پس از کودتای امیریکاتی ۲۸ مرداد سال ۲۵۳۲ سال سلطه خوین و دستانه آزادی‌مهری حق هرنوع فعالیت و حتی تفکر سیاسی را از این ملت بازستاند و به جز احزاب فرمایشی و نه ساخته، هیچ سازمان و گروهی حق فعالیت و اظهار وجود نداشت و هر شخصیت و گروهی که جرات و جسارت بخرج میداد تا حلقه تنگ اختناق و سانسور را بکشد، با سرکوب بیرحمانه و وحشیانه نظام جهنمی شاهنشاهی روبرو میشد. پس از دورانی آنچنان سیاه و منجمد طلیه شکرمنند انقلاب اسلامی ایران، مجال ایران عقاید و فعالیت آزادانه احزاب و گروههای سیاسی را فراهم ساخت و نچینیانه ز با گشاده دستی مفرزه آزادیهای سیاسی گشوده شد تا هر اندیشه‌ای که پیش از آن در بند بود، فرصت نمایش و ابراز

سوی سرک داسه‌سازد. ممکن هم هست که مناومت به سکل دیگری انجام بگیرد یعنی نیروهای انقلابی جزیه‌شوند، بر حسب مناطق مختلف تقسیم بسوند، آن وقت مبارزه به سکل جبهه‌های مختلف جنگ داخلی در ایران انجام خواهد گرفت. این‌ها هم‌اس بسگی دارد به اینکه جمهوری اسلامی با سجهیز همه نیروها بنواهد اصلا جلوه‌گر توطئه جدیدی را بگیرد یا اینکه نتواند. اگر بتواند آنوقت کاری که ما می‌خواهیم بکنیم، کمکی که نیروهای ترقی انقلابی می‌توانند بکنند، فقط عبارت است از ترک درجیه، بایداری و مقاومت به اسکال مختلف. اگر آنها موفق بسوند که بالاخره در ایران یک جبهه بوجود بیارند، آن وقت مقاومت نیروهای انقلابی هم در ایران باید به تناسب چگونگی این جبهه اسکال معین خودش را بسازد کند. ما گوشش خواهم کرد که در تمام این زمینها با رهبری جمهوری اسلامی در سخته «سج همه» نیروها برای مقاومت در مقابل توطئه‌های ضدانقلاب صمیمانه و صادقانه همکاری کنیم و از هرگونه گامبرد و سجزا خودداری ورزیم تا به همکاری نیروها، به هم پیوستگی و تعزکز آنها که بزرگترین عامل قدرت نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی خواهد بود، صدمه‌ای وارد نیاید. البته اگر در شرایطی اتفاق بیفتد که یک نیروی توده‌ای تنها در یک منطقه مجبور باشد که حتماً تنها عمل کند و با انگار خودش مقاومت را سکل بدهد، مطلب دیگری است. ولی البته این‌ها فرضی است. مسئله‌ای که الان مطرح هست، همان مسئله افساری به منظور آماده کردن توده‌ها برای بالابردن روحیه مقاومت و مقابله با هر توطئه‌های در همان سطفاس خفتی خود و سرکوب گردد و اصلا وضعی بوجود نیاید که اسکال دیگر مقاومت و مبارزه که برای انقلاب ما خلی گران‌تر تمام خواهد شد، ضرورت پیدا بکند.

س وظیفه ما الان این است که توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و خارج را در همان اولین لحظه شروع و عمل‌شان سرکوب و داغان کنیم. به همین جهت توصیه‌هایی که از طرف حزب نده‌است، به نظرها توصیه‌های درست و کافی است، ولی البته در این جا چیزی که خیلی مهم است، تشویق و تقویت روحیه مقاومت و بپروزی است.

س: آسما شکست برای انقلاب ایران سیاسی می‌کند؟ آیا خطر شکست وجود دارد؟

ج: از این نوع سؤال‌ها، زیاد شده‌است. من اصولا در این طرز سؤال کردن یک نوع روحیه ترس می‌بینم. دوستان عزیز، برای هر انقلابی بالاخره خطر شکست هم هست. برای انقلاب کبیرا کبر هم چنین خطرهایی وجود داشت. تحلیل‌های رهبری حزب کمونیست اتحاد سوری در این زمینه وجود دارد. وقتی در این تحلیل‌ها، از طرف اتحاد سوری اعلام شد که سوسیالیسم دستر گسکت نابدیر است، این یعنی چه؟ یعنی ما آن وقت هنوز نفوق نظامی امپریالیسم وجود داشته و هنوز خطراتی که سوسیالیسم اربین برود وجود داشته، ولی هیچ وقت نمی‌آمدند هر روز تبلیغ کنند که خطر شکست برای سوسیالیسم وجود داشته، کسی که اس طور سؤال می‌کند روحیه ترس و وحشت از خود نشان می‌دهد. ما برای انقلاب ایران باید روحیه دیگری، در مبارزات اتحاد کسب، آن حسی که در امام خمینی یکی از برجسته‌ترین خصایص صفات اوست، همین است که در سخت‌ترین لحظه‌ها با نیرومندی و اعتقادی بسیار راسخ به بپروزی، ما مردم روز و سد و این امر به انقلاب خلق ایران بیرو حسسد. انقلاب ما هنوز امکانات فوق‌العاده بیرومندی دارد، خلق، ما وجود ناراضی‌هایی که دارد از این که نانس یا گونش با خاساس به اندازه کافی درست نشده، هنوز از انقلاب دفاع می‌کند. همه انقلاب‌ها این خاصیت را دارند. در کسروهای که خلقها انقلاب کرده‌اند، این خلفا دشواری‌های عظیمی را طی دوران طولانی می‌توانند تحمل کنند، و می‌توانند سالها مبارزه بکنند و بادشمن بجنگند. انقلاب ایران به عده‌های هدف خودش، که کوتاه کردن دست امپریالیسم آمریکا و سرنگون کردن رژیم منحوس اسدساد شاهنشاهی بود، به این هدف عده و بیروزی عظیم دست یافت. درست است که مسائل فوق‌العاده بپروزی در مقابل انقلاب ایران قرار دارد. این مسائل را باید با تلاش در مبارزه برای حفظ موجودیت انقلاب حل کرد. انقلاب ایران هنوز امکانات فراوان دارد و هنوز بالقوه فوق‌العاده نیرومند است. تلاش ما باید این باشد که این نیرو را هر قدر ممکن است بیشتر منسجم کنیم، مشکل کنیم و در مبارزه به پیش بریم. این تلاش بی‌سهاک است، تلاش بیشتر و قائل هست. از خلا تعزیر خوانی کردن در باره اینکه شما خیال نمی‌کنید که اگر ما نیروهای خودمان را در اختیار بسج بگذاریم، این عمل حزب بوده، ایران را زیر ضربه قرار خواهد داد و نیروهای ما از بین می‌رود، این حرفها به نظرها نوعی فرار از جبهه در حاساس ترس لحظه است. ما معتقدیم که این لحظه، لحظه‌ای است که یک انقلابی باید با تمام جان خودش در خط اول جبهه قرار بگیرد. با دامن نرود که در جنگ سهنی اتحاد سوری و در امام حکیکای دوران س از انقلاب، جنگ‌های داخلی ۱۹۲۱-۱۹۱۸، در سخت‌ترین لحظات جنگ فرماندهان درجیه همسه اولس فرمانسان این بود که کمونیست‌ها به پیش ای یعنی افراد کمونیست در خط اول جبهه باید حمله بکنند. یعنی خطرناک‌ترین قسم نبود را آن‌ها بیستی به عهده بگیرند. اگر خودسان را کمونیست می‌دانند، اگر خودسان را انقلابی می‌دانند و به همین دلیل است که در تاریخ جنگهای داخلی سالیانی ۱۹۲۱-۱۹۱۸ و در جنگ دوم جهانی و در تاریخ مبارزات امپریالیستی که نگاه بکنید، می‌بینید که سست افرادی از اعضای حزب کمونیست که درجیه کسده شده‌اند در فاسا ما تمام اعضای حزب، ده‌ها برابر نسبت کسده‌شدگان سمرکوسست در قیاس با تمام افراد جبهه‌است، یعنی اگر از بست میلیون نفر، مجموع کسانی که در جنگ شرکت کردند دو میلیون نفر، یکدهم کسده شده‌باشند، نسبت کمونیست‌هایی که درجیه کسده شده‌اند در فاسا ما همه کمونیست‌های شرکت کننده در جنگ بسا از ۵۰٪ است. و این نساندهنده و وظیفه انقلابی است که کمونیست‌ها در برابر خود قرار ندهند. ما هم در این لحظه از بپروزی خواهیم امپلی ناسم، باید در سخرسین قسمت‌های جبهه، مؤثرترین سرک را داسه بسیم.

در این لحظه حساس از انقلاب ایران، یک انقلابی باید با تمام جان خودش در خط اول جبهه قرار بگیرد.

ضرورت تشکیل جبهه متحد همه نیروهای اصیل انقلابی

وظایف آینده ما در برابر توطئه‌های ضدانقلاب

گذاریم و از خلل آنها بی‌بینیم که این حوادث چه بوده و چرا رست در آن موافقی اتفاق افتاده که ۳ روز با ۴ روز بعدش آن طئه با ابعاد عظیمی می‌بایست صورت گیرد؟ ما همانطوری که در نامه «مردم» اشاره کرده‌ایم، منتقد بیسیم که همه مانی که در این حوادث تشنج آمیز شرکت داشته‌اند، عوامل بریالیسم هستند. ولی همه آنها بازجیه، دس عواصل بریالیسم قرار گرفتند: از همه جهات سجه در بالا و چه در بین، در سطوح مختلف اجتماعی کشور، امپریالیسم مهرم بی دارد در بالا از نوع امپراتورهای و در پایین از نوع پنهان‌هایی که خیلی قیافه انقلابی دارند و یا راس روهایی خلقی هم قیافه اسلامی می‌گیرند. نمونه یکی از آنها دو سی است که در بپروزی در نامه «مردم» چاپ شد. این دو س که متعلق به یک آدم است، نشان می‌دهد که این آدم گدسته بدون ریش چه می‌کرده و حالا باریش چه می‌کند. اران نمونه از این بی‌ریس و باریش‌ها امروز در جامعه، ما ده می‌شوند و آنچه در تمام سطح‌ها، در تمام مقامات وحی بر مسئولیت‌ترین مقامات، اینها توستاند خودسان را حا ند. متاسفانه جسمهای کم‌سوی بسیاری از مسئولین و حتی آری از انقلابیون واقفا علاقمند به انقلاب، این عناصر را ببند یعنی نمی‌توانند این ریش را از صورت این هاردراند ن نطق‌های ناخن‌های راز بپرونده‌هایشان بیرون بکشند. ل آنها خلقی زیاد است، ما باید گوش بکنیم این واقعیت که به میان مردم بپروزی، کار هاداران واقعی انقلاب این ما سنگین است. به هرکس که کار را به بحث‌های متذلل از بحث‌های گروه‌های جبرو می‌کناند، بدون هیچ گونه بریالیستی باید گفت که توداری به ضدانقلاب کش می‌کند. ز باید این توداری را با تمام ابعادش به مردم نشک داد، مردم را تجهیز کرد برای مقابله با توطئه‌های که بعد از این باند بساید، می‌تواند مثل توطئه ۲۸ مرداد سه روز دیگر ک ماه دیگر ما سه‌ماه دیگر بساید، ولی در این که حسا بد آمد تردیدی نیست. این را هرکس که تردید بکند یا است و ما مور ضدانقلاب است. ما در این باره تردید امپریالیسم آمریکا دست بردار نیست.

سفر فرانسه از قول ریسگارد سن گفته که آمریکایی گوید: آلمان غربی و از ایران دست بردار نیستیم. این را کارتر سگارد سن گفته و این واقعیت است، این مطلب اهمیت رادراتر از امپریالیسم نشان می‌دهد و به این جهت توطئه‌هایی درآینده خواهد بود. به همین جهت تدارک ، معنوی و تدارک مادی یعنی آماده‌بودن تمام نیروهای ی برای مقابله با ضدانقلاب، همانطوره که در فراخوان حزب توده ایران گفته شده است، ضرورت دارد و ما رژیم که مرکز بسج ملی این خطر را خیلی جدی بگیرد و بسج همه نیروها علیه ضدانقلاب کوشش بکند. ما هم ه این امر کمک بکنیم.

س: وظایف آینده ما در برابر توطئه‌های ضدانقلاب چیست؟

ج: اول - افساری توطئه. دوم - نشان دادن این که طئه چه جهات اصلی داشته؟ و کجا هدف‌های اصلی است. سوم - لزوم تشکیل جبهه متحد همه نیروهای اصلی من این ضدانقلاب و امپریالیسم هستند و دشمنان شده‌است. این توطئه یکبار دیگر ضرورت تشکیل یک متحد را برای مقابله با توطئه‌های آینده نایت کرده البته همه احتمالات را باید در نظر گرفت. ما از امروز نیم بگویم که توطئه آینده دقیقاً به چه صورت خواهد یا به همین صورت بخش داخلی و بخش خارجی خواهد باشد. این صورتی که امروز در هشدان کمینه مرکزی اعلام به صورت یک تجاوز خیلی شدید از خارج خواهد بود. هجوم نیروهای ارتجاعی که در خارج مرکز و آماده به صورت حمله تجاوزکارانه آن‌ها از زمین و آسمان و بدیوستن نیروهای داخلی به آنها و یابه صورتهای ما از الان نمی‌توانیم بیس بیس کنیم که در هر یک از لات مقاومت مردم چه شکلی به خود خواهد گرفت. اومت جبهه‌های به خود خواهد گرفت یا شکل دیگر؟ آنها فرضا در نتیجه عدم آمادگی کافی بیروهایی نیروهای دولتی، نیروهای عمومی جمهوری اسلامی وند گزینهای از ایران را جدا بکنند، منطقه‌ای را به منطقه «قیام کرده»، به اشغال خود درآورد، خوب مقابله به صورت جبهه جنگ خواهد شد، مقابله به مبارزه برای نابودی آن خواهد بود. در آن صورت تودهای مؤلف هستند که در نیروی عمومی جمهوری که حتماً علاوه بر نیروهای نظامی، نیروهای داوطلب بر خواهد گرفت، به طور مؤثر و وسیع سرک کند و

## بک ایران در جبهه متحد خلق

اعلامیه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به مناسبت

روز قدس

خلق قهرمان فلسطین سالهاست که با بذر جان خود، بارشادت و شهادت و شهادت و شهادت... فلسطین را از غارتگری و سرکشی و سرکشی و سرکشی... فلسطین را از غارتگری و سرکشی و سرکشی...

رانندگان و سائط نقلیه سنگین برای قطع دست واسطه ها و بهبود وضع زندگی شان چاره های جز تشکل در اتحادیه های صنفی خود (سندیکاها) ندارند!

مسائل کارگری

رانندگان و سائط نقلیه سنگین قشری از زحمتکشان جامعه ما هستند که مسئولیت سنگین حمل و نقل محمولات را بر دوش می کشند و باتلاش مداوم خویش در گرمای تابستان و سرمای زمستان و با تحمل خطرات احتمالی، در روند توزیع شرکت می جویند.

کارخانه سیمان صوفیان، واقع در مسیر جاده تبریز-مرند که تست اعظم تولید سیمان مورد نیاز رادر استانهای آذربایجان شرقی و غربی و کردستان بر عهده گرفته است، لنگر گاه بیش از ۴۰۰ (چهارصد) وسیله نقلیه سنگین از قبیل ترپلر، کامیون و کبیری می باشد که برای بارگیری و حمل سیمان چندین روز و در مواردی بیش از یک هفته پشت تویتمی خوابند.

تبدیل شده اند که تعویض آنها بعلت کران شدن ماشین آلات، انزایش کمرشکن قیمتها و هزینت زندگی برای صاحبان این وسایط ممکن نیست. علاوه بر این گروهی از این رانندگان برای این ماشین های فرسوده کلی به کارند (بخوان مثال راننده یکی از ترپلرها برای ماشین ۱۲۴ هزار تومانی ۴ هزار تومان به کار راننده است!)

از بهر در تن نیروی انسانی در مدتی که رانندگان با انتظار نشسته اند (که از چهار روز کمتر نیست)، از فقدان رها و آسایش برای آنان و غیره که بگذریم، نقض واسطه ها، تحت عنوان باصطلاح «بنگاه، هایسی چون «خاورنو» (جمعا) تا بنگاه در چارواول دست رنج آنان آنچنان چشمگیر و ملموس است که بقول خودشان، جان را به پیشان رسانده است.

مقتضای سیمان ابتدا بول آن را بحساب کارخانه به بانک واریز میکنند و حواله ها را در اختیار صاحبان بنگاه های گذارند تا وقتی توبتشان رسید، توسط رانندگان سیمان را برایشان ارسال دارند. مسئولین بنگاه ها با نوشتن درخواست و ارائه حواله بدین رانندگان به عمل غیر ضرور خویش جهت مکیدن خون آنان باصطلاح زیر (یکجا) اقدام می کنند.

سده چهار (۴) درصد) از کرایه رانندگان را رسماً برای خود کسری کنند. برای رقابت با هم دیگر با متقاضیان تباری میکنند.

که کناره این رقابت را تنها رانندگان می پردازند. متقاضی باید از فرماندار محل مربوطه حکمی داشته باشد جهت نیازش برای سیمان، والا سیمان به هر کسی داده نمی شود.

رانندگان چاق و چله می شوند، این بارها هزاران کله و تیرنگ و در مواردی با تباری با یکی از صاحبان شرکت های معتبر، خود به حساب کارخانه پول واریز می کنند و به حساب شخص ثالث سیمان را از کارخانه خارج و در بازار سیاه بفروش می رسانند.

روزی نیست که هریک از بیمارستان های تهران پذیرای چندتن از کسانی که در حین کار مجروح شده اند نباشد. در اورژانس بیمارستان جرجانی با چندتن از این کارگران به گفتگو می نشینیم:

یکی از کارگرانی که در حین کار مجروح شده است و برای معالجه به بیمارستان جرجانی آورده شده است نوجوان ۱۵ ساله ای به نام علی صفرزاده است. او در یک کارگاه نجاری واقع در آنسره کاری می کند. اودر حال - که از درد به خود می پیچد می گوید:

«کارم از صبح تا شب کنار آره برقی است. امروز حواسم پرت شد و دستم همراه تخته به زیر آره رفت و دو بند انگشتم کنده شد». از او می پرسیم چه کسی هزینه درمان تبار را پرداخت می کند؟ می گوید: «هن بیمه نیستیم و باید خودم خرج درمانم را بدهم، مجبورم که از دوستانم پول قرض کنم».

یکی دیگر از کارگرانی که در حین کار مجروح شده است و یک ساعت بعد از علی صفرزاده به وسیله دوستانش به بیمارستان آورده می شود، یک کارمند بانک ملت است. او می گوید: «کارم تعمیر تابلوهای بانک است امروز برای تعمیر تابلوی یکی از بانکها به بالای تابلو رفته بودم که از ارتفاع شش متری باین افتادم». از او می پرسیم: «چرا از وسائلی ایمنی از قبیل کمر بند و غیره استفاده نمی کنید تا این حوادث پیش نیاید؟» می گوید: «این وسائلی را کسی به ما نمی دهد و خودمان هم پول خریدنش را نداریم». از او می پرسیم چگونه شد که دچار این حادثه

شبهه دیگر این است که اکثر متقاضیان مقدار سیمانی که تقاضا نموده اند مدت ها طول می کشد تا سیمانشان را دریافت دارند. مثلا برای خروج ۲۵۰ تن سیمان برای دشت مغان گاه ماهها وقت لازم است. صاحب بنگاه برای مثال ۵۰ تن از این سیمان را، که اصولاً باید به محل درخواست متقاضی ارسال دارد، به قیمت گزاف به شخص دیگری می فروشد. و وقتی بعد از مدت طولانی ۲۰۰ تن سیمان برای متقاضی فرستاد، ۵۰ تن باقی مانده را از مال متقاضیان بعدی تأمین می کند و بدینسان سرمایه ای در گردش برای خود تهیه می کند و بیش از پیش فربه می شود. جالب است که سیمانی که به مقصد دشت مغان از کارخانه خارج می شود، در میاندوب خالی می شود و مال میانه از اردبیل سر در می آورد! از این ها که بگذریم وقتی با رانندگان به گفتگو می نشینیم و نظرشان را در مورد واسطه ها و راه حل این پدیده استثماری جویامی شویم همه یک حرف می زنند: «واسطه ها تنها هیچ ضرورتی برای بودنشان وجود ندارد بلکه به زلوهائی می مانند که خون ما را می مکند...»

برای پایان بخشیدن به نقض غیر ضرور واسطه ها از میان جمع نظریات، نظر حسین را بر می گزینیم که عضو سندیکا نیز هست و بقول خودش تسلیم زور گوئیها، نمی شود وی در این گفتگو مفصل گفت:

«قبل از اینکه به مسئله قطع دست واسطه ها بپردازم بگذارید بگویم که بهبودی شرایط زندگی ما رانندگان در گرو تشکلن در سندیکا است. اما متأسفانه برخی از رانندگان، با بدین مسئله حیاتی اهمیت نمی دهند و در باره اش سهل انگاری می کنند و بکلی از ضرورت تشکل در اتحادیه های صنفی خود بی اطلاع هستند».

برای جلوگیری از اجحافات که بدبختانه برخی از برادران راننده بآسانی بدان تن در میدهند نباید عجز و لاپه نشان داد. باید با قدرت و استناد از قوانین ایستادگی کرد. اگر برادران ما این ضرورت را درک و صفوف خود را در مبارزات صنفی نشدند، در این صورت قطع دست واسطه ها که وجودشان هیچ ضرورتی ندارد، کار فوق العاده آسانی خواهد بود من خودم عضو سندیکی کامیونداران هستم و چندین بار این مطلب را رانندگان از سندیکا موفق نبوده ایم».

در این زمینه به بخان یکی دیگر از رانندگان، آقای سلیمان، گوش میکنم. او می گوید: «البته تشکل در سندیکا هدف نیست، بلکه وسیله است. برای رسیدن به هدف، آرزوی ما که چیزی جز سعادت جامعه و نهایتاً نیکی خردمان نیست تنها در صورتی به واقعیت بدل می شود که دولت متعلق به مردم اداره تملی امور مسلکی را در دست بگیرد و ریشه سرمایه داری کنده شود. تشکل در سندیکا برای ما یک امر حیاتی است ولی تا جامعه از ریشه درگرو نشود، بدبختیها و معضلات زندگی پایان نخواهد گرفت».

بتر آنست که دولت رانندگان و سائط نقلیه سنگین را استخدام کند و ما را از چنگ تمامی گرفتاریهای موجود برهاند. تا همه چیز ملی ودولتی نشود از رفاه و آسایش برای ما رانندگان حرفی هم درین نخواهد بود».

آری چاره رانندگان تنها، تشکل در اتحادیه های صنفی آنهاست.

شدی؟ می گوید: «ما سابقاً در استخدام بانک صادرات بودیم ولی با ملی شدن وادغام بانکها تا گهان کار بسیاری به عهده ما گذاشته شد. و علت سقوط هم کار زیاد و خستگی ام بود».

کارگر دیگری که برای بانسان دست مجروح خود به بیمارستان آمده است می گوید: «چند روز پیش دستم زیر دستگاه پرس رفت و چهار تا از انگشتم خرد شد». می پرسیم حالا چه کار میکنی؟ می گوید: «قبلا در یک کارگاه قالبزنی پلاستیک واقع در خیابان پیروزی کار میکردم. پس از مجروح شدنم صاحب کارگاه مقداری پول دستی به من داد و کارگر دیگری را به جای من آورد. فعلا هم یکارم».

افراد شاغل در اورژانس بیمارستان می گویند: «روزیانه حداقل ۳-۴ نفر که در حین کار مجروح شده اند به این بیمارستان مراجعه می کنند. بیشتر آنها در حین کار با دستگاههایی از قبیل دریل، آره، دستگاه تراش و دستگاه پرس دچار حادثه شده اند. بسیاری از این افراد دچار نقص عضو جدی می شوند و دیگر نمی توانند کار سابق خود را ادامه دهند و مجبورند که کارسای خود را رها کنند».

غالب کارگرانی که در حین کار به طور جدی مجروح می شوند در مقابل خود آینده تاریکی را می بینند که با عدم توانائی در انجام دادن بسیاری از کارها و بیکاری همراه است. و بچاست که مسئولین با توان بخشی آنها و آموزش کارهایی که آنها توان انجامش را دارند از بیکاری آنها جلوگیری کنند. از طرف دیگر غالب حوادث در حین کار ناشی از عدم کارگیری وسائلی ایمنی در طی کار است و مسلم است که نظارت مقامات وزارت کار بر این امر و به کارگیری وسائلی ایمنی تا حدود زیادی از این حوادث خواهد کاست.

در مطبوعات کشور

(اطلاعات سه شنبه ۷ مرداد ماه ص ۱۲)

از سخنان محمد هنر دوست و امیر حسین ماهویفر دوتن از دانشجویان ایرانی عضو شورای جراحی انجمن دانشجویان مسلمانان دانشگاه کراچی: «هما نظور که دانشجویان مسلمان بیرون خط امام که لانه جاسوسی را اشغال کردند گفتند تهران و کراچی از مهمترین مراکز محسوب می شدند و شکنجه و شکنجه مرتباً با این دو مرکز در تماس بوده است. بطوریکه بخشنامه های مشابهی در این دو نقطه پیدا می کنید. در گذشته اینها بک حواختنق کا مل حکم فرما بود و دانشجویان ایرانی در پاکستان از طرف ساواک سبیل دانشجویان ایرانی در خارج معرفی می شدند».

یعنی سبیل دانشجویان ساواکی بودند. اینجا دانشجویی درس می خواند که نژادش رادرباره بسوی تمدن بزرگ می نوشت و این دانشجویان در اینجا حواختنق کا ملاموثر بودند و اعلامیه بنیم آقای حمید صراف در داخل را دیوتلوژیسیون جمهوری اسلامی ایران گوینده شده است. بهر حال این حواختنق کا مله داشت تا اینکه موج انقلابی ایران تشدید شد (منظور سه سال گذشته است) و این موج ضربه وار در گردن بر جوسو دانشگاهی حاکم و باعث شد که یک عده قلیلی از خواب بلند شوند و دور عده ای جمع شوند که قبلاً بصورت انفرادی فعالیت می کردند، ساواک که از چنین موجی آگاه شده بود سعی کرد دانشجویان را در انجمنهایی مثل انجمنهای رستاخیزی جمع کند و بوسیله دانشجویان ساواکی که تعدادشان بسیار زیاد بود فعالیتها را کاملاً کنترل کند تا اینکه انقلاب پیروز شد، بعد از انقلاب اوضاع خیلی فرق کرد.

ساواکی های دیروز، انقلابی های امروز - اگر در گذشته در رژیم اختناق شاه دانشجویان برای فعالیت سیاسی سازماندهی شده به خارج هجرت میکردند و شرایط فعلی دانشجویی به خارج سفر می کنند که نمی توانند در جوار انقلابی ایران خود سازماندهی شوند.

بعد از انقلاب برای تعقیب دانشجویان ساواکی تنها کاری که کردیم افشاکاری بود، اما مطلب مهمتر اینست که قبل از اینکه برادران آقای اعرابی ها شمی بعنوان سرکنسول، اینجا بیایند یعنی تا قبل از آمدن ما سال گذشته نمایندگان دولت جمهوری اسلامی ایران از ما بستگان شدند و با ما بودند قبل از قسای اعرابی ها شمی، آقای بهرام بیگی تا می در اینجا نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران بود که از نوکران سرسپرده نصیری معسوم محسوب می شد، یعنی زمانی که نصیری سفیر ایران در پاکستان بود و با ما گفتگو کردیم در این شرایط، از چه کسی می توانستیم کمک بگیریم. مثلاً ما روز قدس که آقای اعلام کردند برادران ما جلوی لانه جاسوسی تظاهراتی برای راه انداختن که این تظاهرات توسط آقای دی (سسا واک پاکستان) و سفارت آمریکا با همکاری آقای بهرام بیگی سرکوب شد. با وقتی که دانشجویان مسلمان لانه جاسوسی را اشغال کردند ما اینجا به پشتیبانی از آنها تظاهرات خیلی بزرگی جلوی کنسولگری آمریکا برای راه انداختن که پلیس دخالت کرد و طوری پلیس به ما حمله کرد که حدود سیصد نفر از ما روانه بیمارستان شدند و در حدود پنج و چهار نفر مدتی چهار روز به زندان افتادند. در مورد سرکوبی این تظاهرات شواهد عینی وجود داشت که نشان می داد آقای بهرام بیگی با ساواک اینجا و کنسولگری آمریکا همکاری داشته یعنی تمام فعالیتها را گزارش می کرده است، حتی این شخص را در مقابل آقا کی گنجی دوست کاردار دولت جمهوری اسلامی ایران در پاکستان محاکمه کردیم و ایشان در این محاکمه در مقابل هیجده نفر از برادران ما اعتراف کرده اینست که در سرکوبی تظاهرات دست داشته است.

کارگران بیمارستان های دانشگاه ملی بیمه خدمات درمانی می خواهند!!

کارگران بیمارستان های آموزشی دانشگاه ملی (بیمارستان های جرجانی، صدقیه رضائی، لقمان الدوله، سعادت آباد) خواهان بیمه خدمات درمانی هستند. شاید به نظر عجب برسد که کارگران بیمارستان ها هم خواهان بیمه باشند. یکی از کارگران آشنی خانه بیمارستان جرجانی در این باره می گوید: «ما برای درمان تنها می توانیم به بیمارستان های دانشگاه ملی که در آن کار می کنیم مراجعه کنیم. چون غالباً به علت اجاره سنگین خانه کارگران در اطراف تهران سکونت دارند به هنگام بیماری دسترسی به بیمارستان های دانشگاه ندارند و برای همین مجبورند که به بیمارستان ها و مطب های خصوصی مراجعه کنند و هزینه درمان خود را از جیب خود بپردازند ولی اگر ما مثل سایر کارگران و کارمندان بیمه خدمات درمانی کنته مانند دیگر کارمندان و کارگران مجبور نخواهیم بود که پول دوا درمان را از جیب خودمان پرداخت کنیم».

بچاست که مسئولین دانشگاه ملی به این خواسته به حق کارگران بیمارستانها توجه کنند.

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

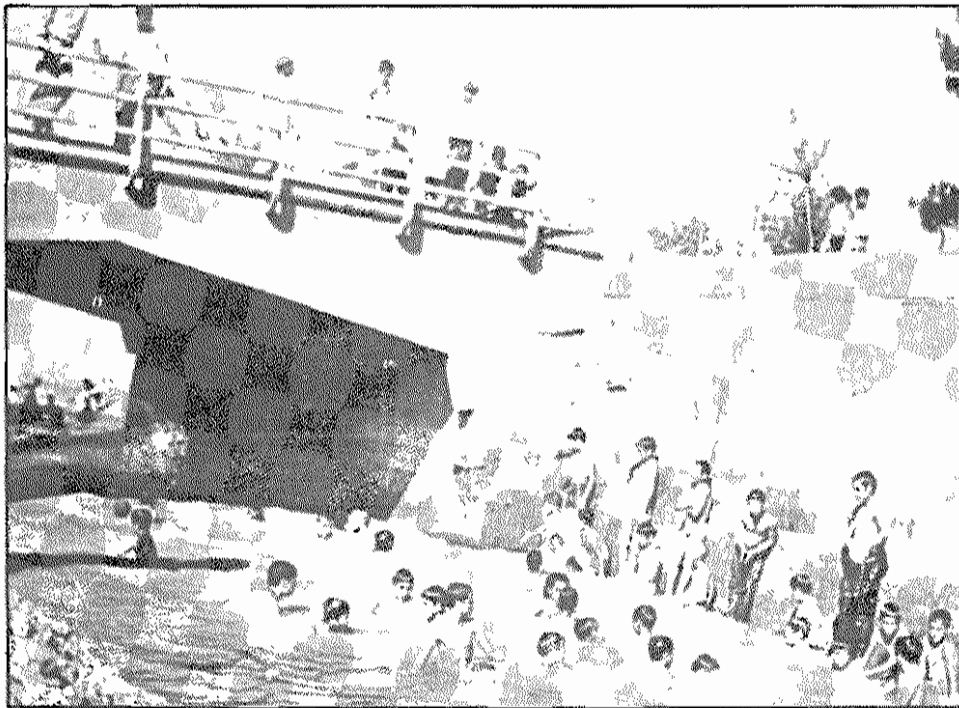
برقرار باد اتحاد همه نیروهای صدامیریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

پیروزی دمیارزه عادلانه مردم فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم. مرگ بر امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا. سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران که همواره رهبری نزلزل و استوار در دستگیر دفاع از مرعا دلانه خلق فلسطین قرار داشته است، به دعوت «ستاد برکزاری روز قدس» پاسخ مثبت می گوید و از همه اعضا و هواداران، از همه جوانان و دانشجویان انقلابی ایران می طلبد که در مراسم و راهپیمایی «روز قدس» شرکت جویند و با نمایش ملیونی خود همبستگی خلیل نا پذیرمدان و جوانان ایران را با مبارزات عادلانه خلق قهرمان فلسطین عمیقتر سازند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران ۱۳۵۹/۵/۸



### با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم



کودکان و نوجوانان قم به علت گرمای فوق العاده این شهر و کمبود استخرهای شنا به پناه برده اند. این گدایان در محله رودخانه قم قرار دارند و به همین جهت برای فرار از گرمای راهی جز پناه آوردن به این گدایان نمی‌گویند. قم تنها یک استخر دارد که حق ورودیه آن ۵۰ ریال است و ما قمار در به پرداخت نمی‌تیم.

### درفع نارسائی های شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی بکوشید

شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی در ۴۵ کیلومتری جنوب قائم‌شهر ما بسن نهرهای زیر آب و بل سفید قرار دارد. این شرکت وابسته به شرکت ملی ذوب آهن ایران است که اکنون در صنایع ملی فولاد دغا شده است و شرکت ملی فولاد ایران نامیده می‌شود. کارکنان قسمت استخراج در دو شیفت نسبی ساعت کاری می‌کنند. کارگران بیشتر از اهالی شهرهای کوچک، بخش‌ها و دهات اطراف شرکت هستند که بوسیله وسایل نقلیه شخصی شرکت به سمت رفت و آمد می‌کنند. طبق قرارداد، کارکنان در زمان احوال در امور استخراج نظارت دارند. کارگران نسبت به وسایل و لوازمی که دولت در اختیار مسئولین گذارده است، از این منافع نسبتاً خوبی برخوردارند و سواستخراج‌ها در ناگوارانی از نقصان وسایل بسیاری را در برده است. در حال حاضر چهار ریزش یک و یک دندانه در شرکت البرز مرکزی مشغول به کارند که یک نفر از آن در ریزش‌ها در یک روز سه نفر در منطقه "آژادشهر" و یک نفر در منطقه اکتشافی "کیاسر" بیمارانی را مداوا می‌کنند. تعداد بزرگان شرکت تا چند ماه پیش هفت نفر بوده است، که دو نفر از آن به تپش‌ها منتقل شده اند و هنوز بجای آن‌ها بزرگ جدیدی استخدام نشده است. امکانات بهداشتی و رفاهی در شرکت نسبت به تعداد کارکنان و مراجعین روزانه بسیار کم است، بطوریکه اغلب اوقات یک پزشک مجبور است دوستانه و بی‌توجه بیمارانی را در یک روزی معاینه کند. خوبی رسن است که بزرگان به علت کثرت مراجعین، فرصت معاینه دقتی بیمارانی را ندارند. کارگران ظاهر ظاهراً در مقابل سوانح بیمه شده اند، اما در موارد بسیاری دیده شده است که توجه کافی نسبت به کارگرانی که در حین انجام کار رنده می‌بینند، مبدول نمی‌شود. کارگران نسبت به این نارسائی‌ها اظهار نا رضایتی می‌کنند. سیستم کسب و کاری شرکت از آزاد صحرانگاری - معادن بومی و غیر بومی تشکیل می‌دهند. اما کارگران روزمزد بطور کلی از داشتن خانه‌های سازمانی محرومند. تاکنون هم تصمصاتی جهت برآوردن زمین‌ها در نزدیکی کارگران از لحاظ مسکن اتخاذ نشده است. از آنجا که بیشتر کارگران علاوه بر شغل بودن در شرکت البرز مرکزی، به زراعت و دامداری

### درگیری های روستائیان دولت آباد و کاهو و اسجیل (توابع چناران) تنها به سود ضد انقلاب و فئودالهای منطقه است

روزهای دوشنبه و سه شنبه ۲۹ و ۳۰ تیرماه ۵۹ شاهد درگیری و زدوخورد های تأسف آوری بین روستائیان دولت آباد و کاهو و اسجیل از طرف دیگر بودیم. این درگیری به کشته شدن بیش از ۷ نفر از روستائیان زحمتکش و زخمی شدن عده زیادی گردید. تعداد زیادی از روستائیان نیز در ارتباط با این درگیری با زداشت گردیدند. این درگیری بر سر یکی از مسائل حیاتی روستائیان ایران است یعنی "آب". اتفاق افتاد. آب رودخانه‌ای که به پنج قسمت بین روستاهای دولت آباد، اسجیل، کاهو، سلطان آباد، قلعه نو کاهو تقسیم می‌شود، توسط عده‌ای از اهالی دولت آباد از بالای مخزن بر روی دیگر روستاها بسته شد و این زدوخورد و کشتار تأسف آوری را در پی آورد.

این مسئله از سالهای قبل مورد اختلاف بین این روستائیان بوده، که هر بار با اقدام و کمک خود روستائیان، بطور مسالمت آمیز حل میگردید. امسال که جویسی کشور آرامش بیشتری میطلبد، متأسفانه خدائات انقلاب به عمل نرفت و طرفداران نظام آریامهری در این ماجرا به خوبی نمایان است. آنها هستند که در ایجاد تشنج و ناامنی و تاریکی عمومی نفع دارند. فردی در رأس این غائله است که زمانی از طرف آریایی و نمایندگان مجلس شورای زمان طاغوت و مدیر کل اصلاحات ارضی شاهانه در مشهد، توصیه می‌آورده و این بار در جمعی که ۳۰۰ نفر از روستائیان زحمتکش مجل گرد آمده بوده اند، با توین و افتر با آنها، تحریک را به اوج خود رسانده است. این شخص که فیکو نام دارد، به گواهی روستائیان به انواع تفنگها و مسلسل‌ها مجهز بوده و آتشبار ممرکه گردیده است. آموغان مخصوص فرمانده لشکر ۷۷ خراسان نیز در امر اسلحه رسانی به عوامل تحریک و تشنج مؤثر بوده است. رضا جلالی از قاجارچیان معروف منطقه نیز، که به گواهی روستائیان تپا دارای نوار فشنگ مسلسل بود در این ماجرا و دامن زدن به آن ذینفع است. دو تن از قاتلین به نامهای تقی محمد و ابوالحسن فرجی نیز مسلحانه در کوه‌های اطراف سنگر گرفته اند. باین ریشه‌های تحریک و تشنج باید توجه کرد و به انصاف و حق در مورد تقسیم آب باتوافق کلیه روستائیان رسیدگی نمود. آنچه که باعث تشنج و مایه تاف است عدم رعایت بی طرفی و کم کاری آنست که از سبب این است که از سپاه پاسداران، شهید مجل اعزام شدند با ساداران انقلاب پشتوانه زحمتکشانند و بقی از حسن شورت در میان دهقانان برخوردار هستند، اما در این مورد، آنها علاوه بر بی عملی، انگاری، با عدم رعایت بی طرفی و جانبداری از عده‌ای خاص باعث گسترش دامنه زدوخورد و بدبینی بین روستائیان زحمتکش گردیده اند، بطوری که دهقانان زحمتکش حتی نمیتوانستند باور کنند که اینها پاسدار هستند. بعضی از اهالی این روستاها معتقدند که عده‌ای با پوشیدن لباس پاسداری و با ظاهر به پاسدار بودن باعث رعب و وحشت بین روستائیان گردیده اند. و این ابراعت گردیده عمل در خاموش کردن منطقه ناموفق باشد و این فاجعه به بار آید. که البته بی‌مناسبت نیست که فرمانده سپاه پاسداران در واقع نیز نسبت باین مسئله و امکان سوء استفاده از نام و از لباس پاسدار تحقیق جدی بعمل آورند.

روستاهای اطراف دولت آباد بیتی خواستار حل شدن مسئله تقسیم عادلانه آب رسیدگی عاجل به وضع خانوارهای متولین هستند و در اجتماعی که روز ۵/۵/۵۹ در استانداری داشتند، حل این مسئله را از کلیه مقامات مسئول خواستار گردیدند. نامه‌ای که آنها تهیه کردند، دارای بیش از پنج هزار امضاء است.

این روستائیان از نابودی باغات میوه خود شدیداً نگرانند. چون مسئله مرگ و زندگی و نابودی ده‌ها در میان است. ولی روستائیان زحمتکش باید در نظر داشته باشند که هم اکنون که شیطان بزرگ، امپریالیسم آمریکا برای موقعیتی مناسب در کسب است و هر روز توطئه‌های جدید به پامی کند و در شرایطی که هم اکنون منتهیات طرح اصلاحات ارضی در حال اجراست و هیئت‌های هفت نفره تقسیم زمین شروع به کار کرده اند، به پانصد اینگونه غائله‌ها بر سر مسئله‌ای که خود روستائیان با همکاری مقامات دولتی قادر به حل مسالمت آمیز آن هستند، به جز شریه زدن به اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان و سوء استفاده خدائات و فئودالهای غارتگر جیزی به بار نمی‌آورد. چهار نفر کشته شده کاهو و دو نفر کشته شده اسجیل، یک نفر میراب مفتوح الاثر تیره فعالیتی است، مستقیماً بسود ضد انقلاب با رسیدگی نوری به مسئله تقسیم آب این روستائیان زحمتکش باید از بهره برداری خدائات و از زبانه‌های ناشی از نابودی باغات میوه و از بین رفتن روستاهای ذینفع جلوگیری کرد. ریشه‌های این نوع اختلافات در نظام طاغوتی گذشته است و گرنه زحمتکشان دهات با هم اختلافی ندارند. طاغوت زدائی منجمه شامل بریدن این ریشه‌های ناسد نیز میشود.

### بیله سوارمان

### زندگی سخت در منطقه‌ای ثروتمند و پربرکت

بیله سوارمان از مناسبت‌ترین مناطق کشاورزی در سراسر ایران است.

منطقه "بیله سوار" ثغان قسمتی از دشت وسیع مغان است، که از طرف شمال، جنوب و شرق با آذربایجان شوری هم مرز است. این منطقه، که از خاکهای حاصلخیز و آب سد میل مغان بهره‌مند است، از مناسبت‌ترین مناطق کشاورزی در سراسر ایران است. بخت "بیله سوار" از دو قسمت "با با ش کنده" و "بیله سوار" تشکیل می‌شود و جمعیتی در حدود ۱۲۰۰۰ نفر را در خود اسکان داده است. ۹۷٪ مردم به کشاورزی اشتغال دارند. بیشتر اهالی را دهقانان نیمه مرفه تشکیل می‌دهند. در این بخش چند فئودال و نیز عده‌ای دهقان بی زمین زندگی می‌کنند.

بازده محصولات کشاورزی در این محل خیلی بالاست. از هر هکتار رکت آبی ۵ تن و از هر هکتار رکت دیمی ۳ تن غله برداشت میشود. دامداری و پرورش طیور منطقه نیز از کیفیت خوبی برخوردار است. دامها در تهران، اردبیل و شهرهای شمال خریدار دارند.

"بیله سوار" مغان دارای امکانات مناسب و متعددی برای بهره‌مندی از یک زندگی مناسب و پر رونق است. لیکن مردم "بیله سوار" محرومیت‌های بسیاری را در دنیا و وجود زندگی در چنین منطقه ثروتمند و پربرکتی، با رنج و سختی روبه‌رو هستند. از مهم‌ترین محرومیت‌های مردم این منطقه نداشتن "آب آش" می‌تواند نام برده شود. آب "بیله سوار" کاملاً آلوده است. به همین علت تعداد زیادی از مردم مبتلا به بیماری "سنگ کلیه" و "سنگ مثانه" هستند. برای رفع این مشکل بزرگ، نصب یک دستگاه تصفیه آب جزو ضروریات است.

در تمام منطقه بیله سوار و روستاهای اطراف فقط یک بیمارستان با ۲ پزشک و یک درمانگاه با یک پزشک وجود دارد. این بیمارستان چون فاقد کارمندان پزشکی و تجهیزات فنی است، تقریباً نقش اورژانس را ایفا می‌کند. در این منطقه ۲ داروخانه نیز وجود دارد، که داروهای موجود در آن علاوه بر گران، بی‌کیفیت است. ۱/۱ احتیاجات منطقه را برآورده نمی‌کنند. بنا بر این اکثر کسب و کارها، باید سراز ۴ ساعت عبور از راه‌های بدست انداز زنده در بیل نقل شود.

در بیله سوار اصطلاح "حمام" هم هست. اما حمام‌هایی که بجای منشا سلامت و پاکیزگی بودن، منشا انواع بیماری‌ها هستند. راه بیله سوار، که اخیراً اسفالت شده، پر دست انداز و دارای چاله‌های عمیقی است، که در مجموع هرگونه مفهوم "اسفالت" را بی معنی می‌سازد. دودستگاه پل بین "کرمی" و "بیله سوار" توسط سیل از بین رفت. از همان موقع پایه‌های پل فلزی جدید کار گذاشته شد، لیکن تا بحال از خود پل خبری نیست و در نتیجه تصادفات زیاد بوده است. کوچه‌ها و خیابانهای خود بیله سوار نیز مملو از زگیل و شل است، بطوریکه مردم برای عبور از آنها حتماً مجبور به استفاده از کجکمه هستند.

گرانی نیز بیداد می‌کند. بعنوان مثال خیار کیلو شش ۲۰ ریال، در بیله سوار ۶۰ ریال، و یک بطری شونابه ۱۰ ریالی، به قیمت ۲۵ ریال با فروش می‌رسد.

برای تمام منطقه بیله سوار تنها یک دبیرستان و یک هنرستان کشاورزی وجود دارد. هنرستان کشاورزی با تمام تجهیزاتش عا طبل و باطل افتاده و ماشین آلات آن در حال پوسیدن است. این هنرستان بجای تربیت کار در فنی تبدیل به ماشین در بیل سازی شده است. از سبب ختم شدن هنرستان در یک شیفت برای مدرسه راهنمایی تحصیلی دخترانه استفاده می‌شود. علاوه بر اینها، در بخش ۳ باب دبستان، یک کودکستان و یک باب مدرسه راهنمایی تحصیلی وجود دارد. از اساسی ترین مشکلات دانش آموزان، عدم وجود کتب و کتب معلم کارآموز است. بطوریکه تا دیماه سال گذشته، دبیرستان بیله سوار عملاً ۴ دبیر داشت.

امکانات ورزشی در بیله سوار بسیار محدود است. از یک انبار ریختن سالی و ورزشی استفاده می‌شود. با این که ورزشکاران بیله سوار از استعداد خوبی برخوردارند و بخصوص در رشته والیبال یکی از بهترین تیمهای شهر استانی آذربایجان را دارند، بهیچوجه از امکانات کافی برخوردار نیستند.

بیله سوار امکانات بسیار برای کشاورزی و دامپروری پر رونق و رفاه برای اهالی دارد. باید باین منطقه توجه لازم را معطوف داشت.

## کسب سود به هر قیمت قانون جنگل کارفرماست

کارگران در باره امضاء قرارداد اظهار داشتند: "ساز عید سروز، بکوز کارفرما کا غدی را بدست ما داد و گفت این را امضاء کنید. ما از او پرسیدیم: این امضاء برای چیست؟ او در پاسخ گفت: می‌خواهم شما دفترچه بیمه بدهم. ما چون هیچکدام مساودند و تقسیم همگی صنای بدست آوردن دفترچه بیمه بودیم،

حدی بیش حدود سنجاه تن از کارگران شرکت مخابرات ایران که مشغول حفاری خبا - با نیهای تیریز برای کابل کشی و سیم کشی تلفن بودند، با مراجعه به اداره کارخاستار و رسیدگی به وضع کار خود شدند. این کارگران که هر کدام از سالنوده ماه تا سنج سال سابقه کار دارند می‌گویند: "همین اواخر، بکوز سه کارفرما گفتیم که خیرا" بخشنا می‌ای به کارفرما ها جهت پرداخت اضافه حقوق کارگران اصلاح شده است. ما خواهان اجرای آن هستیم، کارفرما در پاسخ ما کارگران گفت: "سل و کلنگ ها را زمین بگذارید و بروید، چون همه ما خراج هستیم". کارگران بعنوان اعتراض‌ها بین عمل غیر قانونی کارفرما، برای دادخواهی به اداره کار و امور اجتماعی تیریز مراجعه کردند. مسئولین اداره کار علت را از کارفرما جوسا شدند. کارفرما در پاسخ آنها گفت: "این کارگران همگی بطور موقت کار می‌کردند و برای مدت هشتاد و پنج روز آنها قرارداد امضاء شده است".

بدون اطلاع از متن نامه، آنرا امضاء کردیم اکنون متوجه شده ایم که این نامه مربوط به قرارداد هستاد و بیتیج روزه است. ناگفته نماند که این کارگران تاکنون از هیچگونه مزایای قانونی استفاده نکرده و گذشته از آن، کارفرما هر روز مبلغ ۵۰۰ ری از حقوق آنها با بستم کسری کرده است. نکته جالب توجه این است که کارفرما شرکت عضو کمیسیون ۹ نفره حل اختلاف در کار آذربایجان شرقی است، یعنی ما به عنوان رسیدگی به دادخواهی های ناشی است.

مسئولین اداره کار آذربایجان باید در انتخاب مسئولین امر تنها مراقت را بکار ببرند، تا افرادی ت نارضا یینی کارگران شریف وز نگنند.

### بعد از مرگ شاه مخلوع نوبت نابودی سلطه همه جانبه آمریکاست

قتل عمد یا مرگ طبیعی؟  
بچه متصد و از چه راه؟



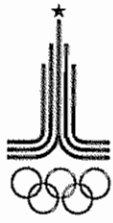
### امپریالیسم آمریکانز گترین بازنده المپیک مسکو بود

### المپیک مسکو باشکوه فراوان

### به پایان رسید

قهرمان آلمان دمکراتیک رکورد پرش ارتفاع را به ۲/۳۶ متر ارتقاء داد

یک زن قهرمان شوروی با پریدن ۲/۶۰ متر رکورد المپیک را شکست



آخرین نتایج

دردوروز آخر المپیک بیست و دوم قهرمانان کشورهای سوسیالیستی با درو کردن اکثریت مطلق مدالهایی که در این دوروز تقسیم می شد، مسابقات را به پایان بردند. در همان حال که قهرمانان اتحاد جماهیر شوروی بر سکوی ۴x۱۰۰ متر مردان ایستاده بودند زنان این کشور مدال ۴x۴۰۰ متر را بر گردن می آویختند، قهرمان انیسوی خط پایان ۵ هزار متر مردان را سی برید و کنا را و قهرمان آلمان دمکراتیک با سگستن رکورد جهان از ارتفاع ۲/۳۶ متری گذشت. هنوز این رکورد اعلام نشده بود که قهرمان دیگر آلمان دمکراتیک مسابقه دوم را تن را فتح کرد و در میان غریب تماشاچیان به استادیوم رسید. این تازه آغاز کار بود: مردان اتحاد جماهیر شوروی مسابقات والیبالی را فتح می کردند و بیس رود مسکوا قاپوهای حامل قهرمانان مجارستان، لیستان، شوروی و آلمان دمکراتیک بی دربی به خط پایان می رسیدند. در همین روز ولادیمیر پوپوف رئیس کمیته ملی المپیک شوروی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که تاکنون ۳۲ رکورد جهان و ۷۰ رکورد المپیک در المپیک ۸۰ سگسته شده است. او اضافه کرد: تاکنون قهرمانان ۲۵ کشور مدال طلا و قهرمانان ۳۱ کشور مدال طلا و نقره گرفته اند.

او همچنین گفت: بین ۵۵ میلیون نفر از مردم شوروی از مسابقات دیدن کرده اند. مهم ترین نتایج که در دوروز آخر کسب شد، بشرح زیر است: پرش طول زنان: یک زن قهرمان شوروی بعد از ۲۲ سال با پریدن ۷ متر و ۶۰ سانتی متر رکورد المپیک را شکست. آلمان دمکراتیک دوم و شوروی سوم. ۴x۱۰۰ متر زنان: آلمان دمکراتیک با سگستن رکوردهای جهان و المپیک اول، شوروی دوم، انگلستان سوم. پرتاب دیسک زنان: آلمان دمکراتیک با سگستن رکورد المپیک اول، بلغارستان دوم، شوروی سوم. ۱۵۰۰ متر زنان: شوروی با سگستن رکورد المپیک اول، آلمان دمکراتیک دوم، شوروی سوم. پرش ارتفاع مردان: قهرمان آلمان دمکراتیک ۲ متر و ۳۶ سانتی متر پرید و رکوردهای المپیک و جهان را شکست. لیستان دوم، آلمان دمکراتیک سوم. والیبالی مردان: شوروی اول، بلغارستان دوم، یوگسلاوی سوم، برزیل چهارم. فینال فوتبال: چکسلواکی آلمان دمکراتیک را با یک گل شکست داد و قهرمان شد. آلمان دمکراتیک دوم و شوروی با زدن ۲ گل به یوگسلاوی سوم شد. هاکی زنان: در هاکی زنان تیم کشور تاسوا استقلال یافته زیمبا بوه قهرمان المپیک شد، چکسلواکی دوم و شوروی سوم شد.

جدول مدال ها

کشور	طلا	نقره	برنز
شوروی	۷۹	۶۲	۴۵
آلمان دمکراتیک	۴۶	۳۷	۲۷
بلغارستان	۷	۱۶	۱۵
مجارستان	۷	۹	۱۳
ایتالیا	۷	۳	۴
رومانی	۶	۵	۱۰
فرانسه	۶	۶	۳
انگلستان	۵	۷	۷
لیستان	۲	۱۳	۱۱
سوئد	۳	۳	۶

ارسطیل بدن معدن را چسب جلوی کسب ا معدن را چسب، واقع در روسای تا کنند، ا روسای سیرستان ساکسان، مدتی است که تعطیل شده است. این معدن که در ایلای قبل از انقلاب سوار سازی داشته است بعد از سیروری انقلاب، توسط مسئول آن به سیاه های مختلف، از جمله با این عنوان که ضرر می دهد، تعطیل شد. در حال حاضر، علاوه بر اسکله اس سرب عظیم ملی بی استفاده مانده است، کارگران معدن مذکور نیز بی کار مانده اند، در صورتیکه دولت می تواند با در اختیار گرفتن معدن و کمال ردن مدیران دولتی بر سر آن، از اسب سرر هنگفت جلوی کسب کند.

دیشب در آخرین ساعات شب به وقت تهران در مسکو در استادیومی که نام لنین، رهبر خردمند سیرولتاریای جهان را بر خویش دارد، در حالی که فرزندان برومند نظامی که لنین ۶۳ سال پیش اولین پایه بنیرومند آن را مستقر کرد، بیجا بیش همه کشورهای جهان بر سکوی افتخار ایستاده بودند، المپیا دبست و دوم با شکوه تمام پایان گرفت. مراسم با شکوه اختتام المپیا دبست و دوم، چهار کشور سوسیالیستی که چهار مقام اول رده بندی را به خود اختصاص داده اند، رزه رفتند و به دنبال آن ها کشوری که مقام پنجم المپیک را بدست آورده است، یعنی ایتالیا، و به دنبال آن بقیه کشورها، از میان آبراز احساسات بیش از ۱۲۰ هزار تماشاگر از سراسر جهان گذشتند. مراسم با شکوه اختتام المپیا دبست و دوم، چهار کشور سوسیالیستی که چهار مقام اول رده بندی را به خود اختصاص داده اند، رزه رفتند و به دنبال آن ها کشوری که مقام پنجم المپیک را بدست آورده است، یعنی ایتالیا، و به دنبال آن بقیه کشورها، از میان آبراز احساسات بیش از ۱۲۰ هزار تماشاگر از سراسر جهان گذشتند. مراسم پایانی با مارش زیبای ارکستر بزرگ المپیک مسکو آغاز شد و همزمان با آن ۴۰۰ مرد که پرچم سرخ در دست داشتند، با آهنگ مارش سوسیالیست میدان رفتند. سپس ۳۰۰ دختر و پسر از خلقهای مختلف شوروی با طوقه های که در دست داشتند، ظاهر شدند و در حالی که آنها در میان میدان ۵ حلقه باستان المپیک را با لباس های رنگارنگ خلقی شوروی شکل میدادند، ورزشکاران ۸۵ کشور جهان وارد میدان شدند و پرچم شوروی را برداشتند. در همین موقع پرچم های یونان، اتحاد جماهیر شوروی و سپس پرچم لنین تجلی که به بنا به تصمیم کمیته بین المللی المپیک به جای پرچم آمریکا به اهتزاز در می آید، بر فراز استادیوم لنین به اهتزاز درآمد. (المپیک بعدی در لنینس برگزار می شود) سپس لرد کیلانین رئیس کمیته بین المللی المپیک پشت میکروفن قرار گرفت و گفت: «بنام کمیته بین المللی المپیک به رهبران شوروی، مسئولین شهر مسکو و برگزار کنندگان المپیک مسکو عمیقاً تبریک می گویم. ما از ورزشکاران، تماشاگران، خبرنگاران و همه کسانی که در این امر موفقیت آمیز شرکت داشتند، متشکریم. من پایان المپیک بیست و دوم را مطابق سنت آن اعلام می کنم، امیدوارم المپیک بیست و سوم را در لنینس جشن بگیریم».

بعد از پایان سخنان لرد کیلانین پرچم المپیک به آرامی پایبین آمد و قهرمانان ۸۵ کشور جهان گردنمعل المپیک حلقه زدند. آنگاه ۵۵ دختر که لباس سنتی یونان را به تن داشتند، آتش را محترمه کردند و در حلقه شعله آرم آرام فرو می نشست. پرچم المپیک از زمین بیرون برده شد. در همین موقع ارکستر بزرگ مسکو، آهنگ "عدا حلقه مسکو" را نواخت و ۵۰۰۰ بالترین مظهر زیبای المپیک مسکو، خرس هنت متری المپیک را به میدان آوردند و از آن خدا حافظی کردند. در این هنگام روی همه، تا بلوهای استادیوم، جمله "به امید دیدار در المپیک بیست و سوم" نقش بست. آنگاه در حلقه بیست و دوم دخترها سبدهای گل به طرف مشعل المپیک می رفتند، مشعل المپیک در استادیوم لنین خاموش شد، تا به جایگاه همیگی خود یونان برده شود. المپیک بیست و دوم بدینسان پایان گرفت.

بعد از پایان سخنان لرد کیلانین پرچم المپیک به آرامی پایبین آمد و قهرمانان ۸۵ کشور جهان گردنمعل المپیک حلقه زدند. آنگاه ۵۵ دختر که لباس سنتی یونان را به تن داشتند، آتش را محترمه کردند و در حلقه شعله آرم آرام فرو می نشست. پرچم المپیک از زمین بیرون برده شد. در همین موقع ارکستر بزرگ مسکو، آهنگ "عدا حلقه مسکو" را نواخت و ۵۰۰۰ بالترین مظهر زیبای المپیک مسکو، خرس هنت متری المپیک را به میدان آوردند و از آن خدا حافظی کردند. در این هنگام روی همه، تا بلوهای استادیوم، جمله "به امید دیدار در المپیک بیست و سوم" نقش بست. آنگاه در حلقه بیست و دوم دخترها سبدهای گل به طرف مشعل المپیک می رفتند، مشعل المپیک در استادیوم لنین خاموش شد، تا به جایگاه همیگی خود یونان برده شود. المپیک بیست و دوم بدینسان پایان گرفت.

### درباره نقش نفاق افکنانه دکتر بقائی

حجت الاسلام محلاتی: "من ستم مقتضی است، خودم هم در جریان بودم، یاد هم هست دکتر بقائی ها و دوستان ایشان بودند که آمدند بین مرحوم آیت الله کاشانی و مصدق چاشنی افکندند. اول با زاهدی همکاری کردند و آن حکومت جلا را سرکار آوردند." (کیهان ۹، مرداد ۵۹)

### نامه سازمان حزب توده ایران در برابر زجان به سپاه پاسداران آن شهر

در ارتباط با فراخوان کمیته مرکزی حزب ما به مناسبت خطرتوخته های امپریالیسم آمریکا، از طرف سازمان حزبی ما در برابر زجان نامه ای به سادسازان سیرستان فرستاده شد. متن نامه چنین است:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران  
ضم احترام و آرزوی سیروزی شاد در راه به سر رساندن اهداف مقدس انقلاب اسلامی ایران، همانطور که اطلاع دارید و نیز حزب ما، در اعلامیه کمیته مرکزی خود در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۵ متذکر شد، بعد از کسب دومین کودنای نظامی امپریالیسم، صهیونیسم و ضد انقلاب داخلی، سوطه خطرناک دیگری از داخل و خارج در سرف نکوبن است. طبق اطلاعی که به دست حزب ما رسیده در این سوطه: نتگین، که به مراتب وسیع تر و پیرامنه تر از سوطه اول است امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با همکاری رژیمهای منقرضه، عراق، اسرائیل، عربستان سعودی و همکاری نیروهای ارتجاعی در جنوب و غرب کنور و این نوگرایی اختیار سوا (شاپور بختیار)، نیروهای ضربتی از افسران فراری رژیم منقرضه پهلوی (اویسی، بالیزبان و...) و ساواکپهای فراری و دستهای مزدور در عراق و مصر و عربستان سعودی، آماده شده اند که از راه هوا و زمین و دریا خوزستان و دیگر مناطق ساحلی خلیج فارس را به اشغال در آورند و بایبوند دادن این منطقه با مناطقی که اکنون در کردستان در اشغال گروههای ضد انقلاب (ماژو-ئیستپا، کوملو و...) است، بایگاه وسیعی برای اجرای نقشه های تجاوزگاران خود بوجود آورند، بانبیت شوم خود راهبنی بر سرنگونی جمهوری اسلامی ایران تحقق بخشند. برای اساسی حزب ما در فراخوان خود (مدرج در نامه مردم) از کلیه اعضا و هواداران خود خواسته است که با معرفی خویش به ستاد بسیج ملی، برای دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن آماده شوند. به همین خاطر همه اعضا و هواداران حزب توده ایران در سراسر کشور، از جمله ما هواداران حزب توده ایران در برابر زجان و حومه، با توجه به وجود هسته ضد انقلاب در منطقه، که جندی پیش منجر به شهادت سادساز شهید (جاوید کارزویی) شد، با تمام وجود آماده ایم تا همراه اسامی، این نهاد کاسلا انقلابی، از انقلاب سگومند اسلامی دفاع کنیم. ما امیدواریم و از مسانقتان داریم که امکانات و تسهیلات لازم را برای اعضا و هواداران حزب ما، که به شهادت تاریخ روح سرتراز اینار و میبند برستی از ویژگیهای برجسته آنان است، قرار دهید. به امید کوتاه شدن دست امپریالیسم جهانی و سرگردگی امپریالیسم آمریکا، و عمال داخلی بطور کامل از انقلاب شکوهمند ما و سایر جنبشهای رهائی بخش جهان و سیروزی روزافزون جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهانی.

نامه هروم، ارگان مرکزی حزب توده ایران  
دارنده امتیاز و مدیر مسئول  
منوچهر بهزادی  
خیابان آذر، شماره ۶۸  
محل دفتر نامه مردم  
لا در اشغال عناصر غیر مسئول است

### تابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا باید از نظر نظامی مجهز شود

راج کارگران روز مزد توسط کارفرما  
کارگران را بر طرف می کند. یکی از کارگران روز-مزد بنام رحمان عوضی از تاریخ ۵۹/۱/۱۶ در این کارخانه کار می کرده است. کارفرما چند روز قبل وی را از کار اخراج کرده است. وی به اداره کار شکایت کرده است. این کارگر از مقامات اداره کار می پرسد طبق قانون کار هر کارگری که ۳ ماهه ۱۰ روز سابقه داشته باشد باید کارفرما وی را بیمه کند. در عوض بیمه کردن چرا مرا از کار اخراج کرده اند.

افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

امریکا بر میهن ما